



نشر سی‌ودو حرف

هانری میشو

پیوست‌های فضای اندرون:

مبارزه ضد فضا

لیتوگرافی‌های چهره‌نگاری میدزرها

نشانه‌های نمایانگر حرکت‌ها، و پس‌گفتار آن

پیش‌گفتار، طرح‌ها و دست‌نوشته‌ها، و پس‌گفتار

معجزه‌ی مفلوک، مسکالین

ترجمه‌ی

محمود مسعودی

[به سفارش همسر مهناز شاهین]



بازنشر الکترونیکی، ژانویه ۲۰۱۸

<http://mahmoodmassoodi.wordpress.com>



همه‌ی حقوق این ترجمه برای مهناز شاهین محفوظ است.

هانری میشو

# پیوست‌های فضای اندرون

مبارزه ضد فضا

لیتوگرافی‌های چهره‌نگاری میدزرها

نشانه‌های نمایانگر حرکت‌ها، و پس‌گفتار آن

پیش‌گفتار، طرح‌ها و دست‌نوشته‌ها، و پس‌گفتار

معجزه‌ی مفلوک، مسکالین



ترجمه‌ی

محمود مسعودی

[به سفارش همسر مهناز شاهین]

نشر سی‌ودو حرف

## هانری میشو

ترجمه‌ی محمود مسعودی

در



نشر سی‌و‌دو حرف

فضای اندرون

پلوم

پیوست‌های فضای اندرون:

مبارزه ضد فضا

لینوگرافی‌های چهره‌نگاری میڈرم‌ها

نشانه‌های نمایان‌گر حرکت‌ها، و پس‌گفتار آن

پیش‌گفتار، طرح‌ها و دست‌نوشته‌ها، و پس‌گفتار

معجزه‌ی مفلوک، مسکالین

در



نشر پرتو،

هانری میشو، روبر برشون، گزاف‌هایی چند از چند سال هستی

پی‌یر ویلار، روبر برشون، پی‌یر روین، فضای اندرون هانری میشو

ژان‌میشل ملبوآ، هانری میشو، ماجراجوی اندرون

ترجمه از انگلیسی:

دیوید بال، «درآمد بر ترجمه‌ی انگلیسی گزینیهایی از متن‌های هانری میشو»، در نازیکی می‌جنبد

برای خواندن کارهای دیگر محمود مسعودی نگاه کنید به

<https://mahmoodmassoodi.wordpress.com/>

## پیوست‌های فضای اندرون

- مبارزه ضدّ فضا. ۱
- میلزِم‌ها. ۵
- نشانه‌های نمایان‌گرِ حرکات‌ها، و پس‌گفتار. ۲۵
- پیش‌گفتار، طرح‌ها و دست‌نوشته‌ها، و پس‌گفتارِ معجزه‌ی مفلوک، مِسکالین. ۹۵

نیک دانسته است، بیش از سه متر را نمی‌شود دید. و حتی تابلوهای<sup>۲</sup>، آن‌گاه که اثری نیستند، بسته اند.

یعنی برای این‌که در سلول‌ها زندگی می‌کنیم و مثل نزدیک‌بین‌ها؟

اگر هم چنین بود، بی‌گمان دیگر وراثتاده است. سفرها، ورزش‌ها، سینما، عکاسی، هوانوردی، اُردو زنی، مسابقه‌ها، همه‌ی محرک‌های «زندگی مدرن» به بیرون فرا می‌خواند. همه در جبهه یا در یادآوری فضاهای بزرگ اند.

چرا این‌همه فضا در یک سو و انقدر کم در سوی دیگر، یعنی می‌خواهم بگویم در تابلوها، که فضا در آنها مرگ‌بارانه کسل می‌کند و غم‌بارانه فقط کارِ آتش‌نشان را انجام می‌دهد؟ درحالی‌که فضای واقعی ما جای‌گاه «تعطیلات»، جای‌گاه آزادی در حرکت‌ها، مسابقه‌ها، سرعت‌ها، و بی‌تعارفی‌ست، فضای چشم‌انداز ایتالیایی دقیقاً برعکس است، یعنی جای‌گاه قیدها، زندان واقعی، برساخته‌ی یک عالم‌معاب، دریا هندسه‌دان. دیر زیر نظارتِ تقدیر.

آیا برای بازیافتن یک فضای باز، که خود را در آن آزاد احساس کنیم، باید به سوی نقاشی‌های صخره‌ای برویم؟

چه چیزی زنده‌تر از گله‌ها و مجموعه‌هایی‌ست که در آنها دیده می‌شود، که زنی گاوبان، برای جایی که در آن اشغال می‌کند، زیادی بزرگ است (یا زیادی کوچک)، که در آن یک حیوان برای فاصله‌ای که در آن قرار دارد یقیناً زیادی واضح است (اما مثل وقتی است که با علاقه‌ای ویژه به چیزی دور نگاه می‌کنیم و جداس کرده ذهناً نزدیکش می‌آوریم تا حظّ بیشتری از آن ببریم)؟

کی نمی‌بیند که درست به خاطر این‌که «بنا بر دیدِ ذهن» مشاهده شده اند، به‌راستی غرقیده در فضا به نظر می‌آیند، حال‌آن‌که بنا بر بُعدنمایی ما، به رغم حرکت‌هاشان، لابد مفلوکانه آب‌رفته، و میخ‌شده در گوشه‌ی کوچکی از افق پدیدار می‌شوند؟

## مبارزه ضدّ فضا<sup>۱</sup>

از بیش از نیم قرن پیش، در نقّاشی وضعیّت جنگ هست.

آیا سرانجام به صلح خواهیم رسید؟

نه! حرفِ صلح هم نیست. نخشکیدنی هستیم در تجربه‌ها.

نقّاشی دروسوفیلیای<sup>۲</sup> هنرمند است و کسی حاضر نیست پایانِ شکل‌های هیولا و تجربی آن را ببیند. در این مورد، می‌توان همان‌قدر روی نقّاش‌ها حساب کرد که روی ژنتیک‌شناس‌ها.

اما مگر همه‌ی تجزیه‌کردنی‌ها را درجا تجزیه نکرده ایم، تکان‌دانی را تکان نداده ایم، شکل‌ها، نور، رنگ‌ها را؟

نه. عنصرهای بسیاری مانده است... و فضا. در پیرامونِ «فضا» چیزی تا‌ب‌طوری هست. پس آیا هرگز به آن دست نخواهیم زد؟ مثل براندازنده‌ترین نویسندگهایِ زمان‌های گذشته، که گویی می‌ترسیدند هرگونه تکیه‌گاهی را از دست بدهند که نحو را همواره دست‌نخورده به‌جا می‌گذاشتند.

تروریست‌ترین نقّاش‌ها جرئت ندارند به حریم فضا تجاوز کنند. وقتی هم که به آن پرداختند، بدونِ آگاهی به آن و بیشتر برای بستنِ آن بود. در یک تابلویِ کوبیست،



کی نمی‌بیند که، ما هم همین‌طور، نمی‌توانیم فضا را بیابیم مگر به این شرط که مالِ خودمان را رها کنیم، بُعدنماییِ یوغی‌مان را؟  
پیکاسو چهره‌ای می‌سازد با جوش دادنِ یک نیم‌چهره به یک نیم‌رخ، چهره‌ای دوچندان زنده‌تر از واقعیت.

این تلفیق، نمونه‌ای از همان‌هایی که در هر آن در واقعیت انجام می‌دهیم، در نیمه‌راه بین قدرتِ تشخیص و تصویرهای وابسته، هم‌چنین قابلِ اعمال برای فضا است.  
با موقع‌شناسی و جذبه‌ی مناسبِ دوردست و نزدیک‌تر را که جوش بدهیم، بالا و پایین را، آنچه را که گویی غرقیده به دیده می‌آید و آنچه را که تمام‌رُخ، آنچه را که در گوشه و آنچه را که گویی نزدیکِ نُکِ بینی، و با بازی کردن رویِ نابرابرانه از هم‌دورها، همچو چین‌هایِ فانوسیِ آکوردئون، هندسه‌هایِ کُشنده بنا خواهیم نهاد، خواهیم شکست این مثلثِ ظریف و سخت را که در دور گُم می‌شود با چیزهایی که مایل به دیدنِ آنها ایم، و فضا همان می‌شود که بود، یعنی دیدارگاهِ پهناورِ صد فضا که در یکدیگر غوطه می‌خورند و چیزها و موجودها با ما غوطه می‌خورند در آنها.  
نه، فضا تغییرناپذیرتر و دست‌نیافتنی‌تر یا دست‌نازدنی‌تر از خدایانِ دیگر نیست.

قورباغه‌ای است که منتظرِ ابزارِ وحشتناک و ظریفِ ماست.

درجا چند نقاشِ عملیاتِ شکنجه‌گرانه‌ی خود را آغازیده اند.

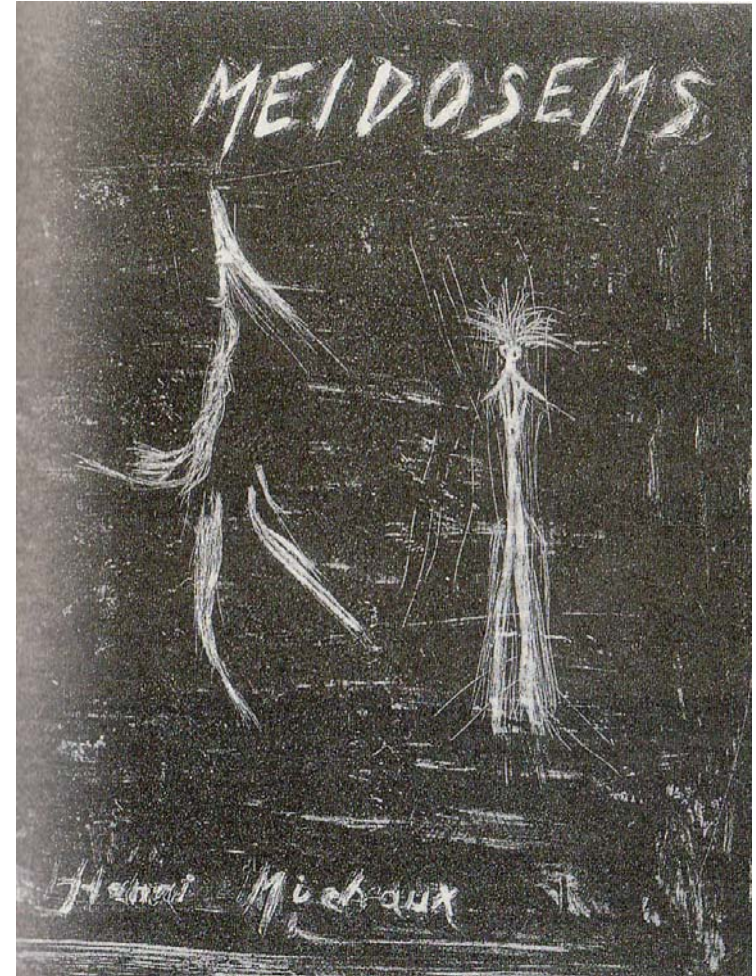
به‌پیش، اطمینان داشته باشید، جنگِ جدیدی تدارک دیده می‌شود.

۱۹۴۵

## میدزها

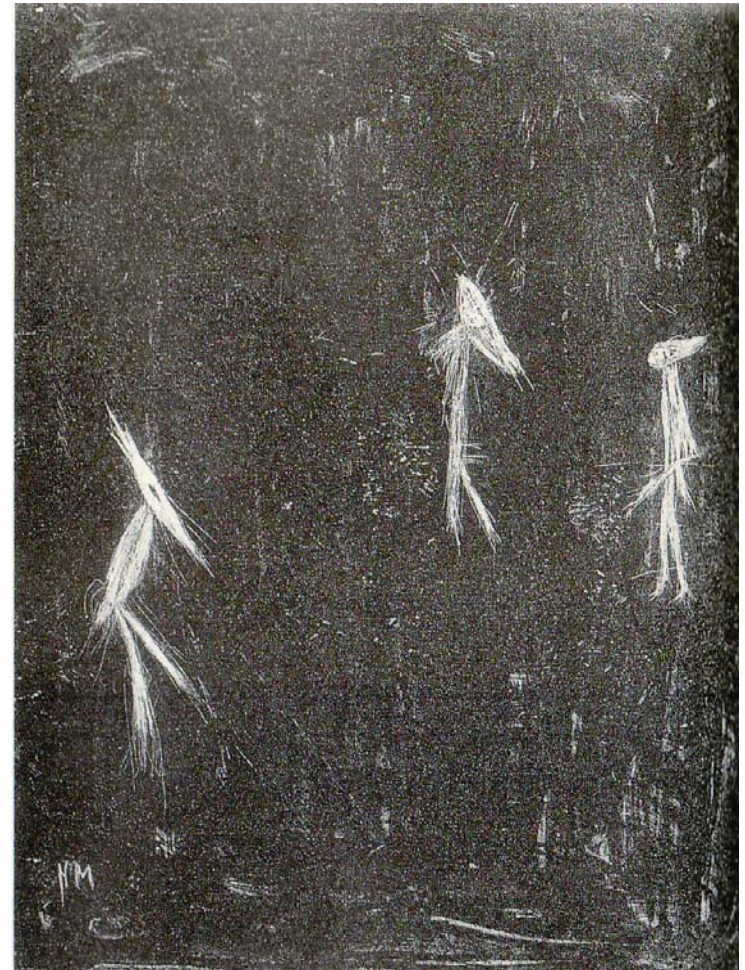
لیتو گرافی های چهارهنگاری میدزها، ۱۹۴۸

این لیتوگرافی ها را از جلد دوم مجموعه ای آتذ هانری میشو، چاپ انتشارات گالیمار، ۲۰۰۱، گرفته ام. چهارده لیتوگرافی نخست را از صفحه های ۲۴۵ تا ۲۵۸، و دو لیتوگرافی آخر را از صفحه های ۱۱۲۵ و ۱۱۲۶.

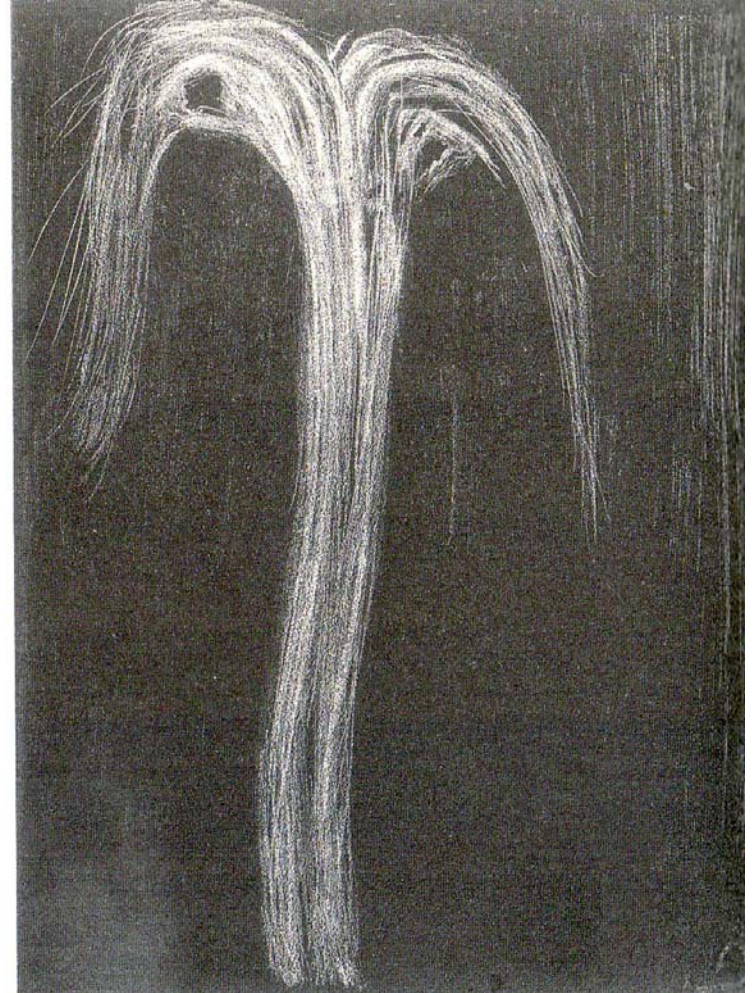
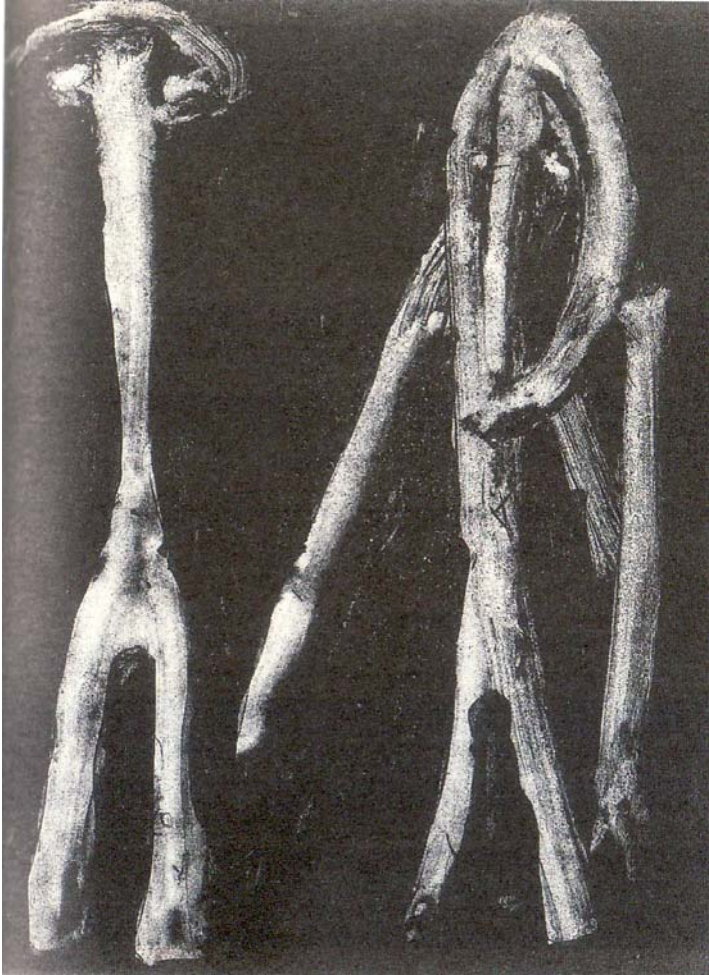


روی جلد چاپ یکم، مینژمه ۱۹۴۸

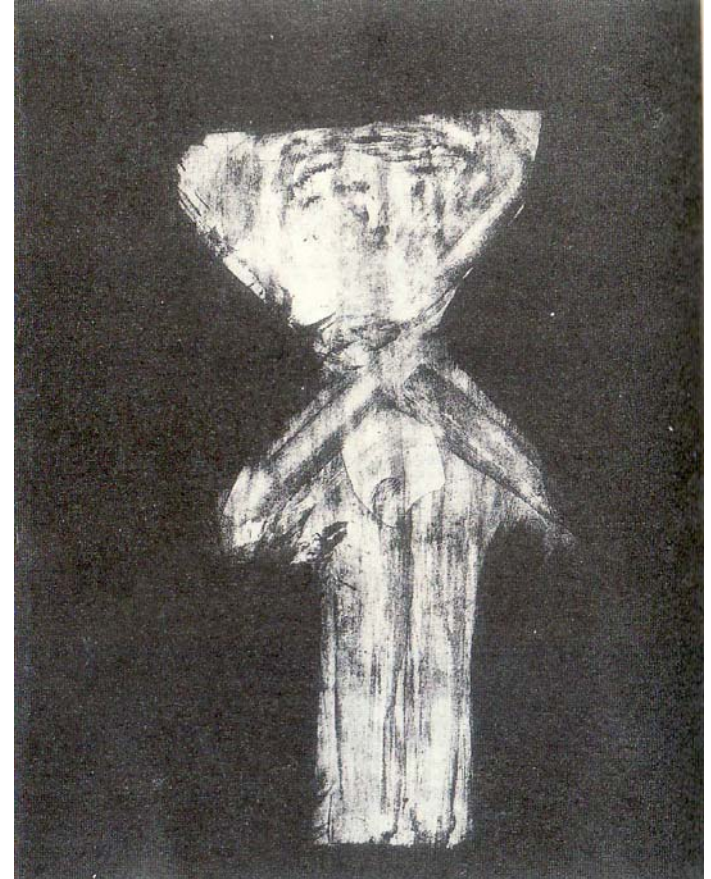
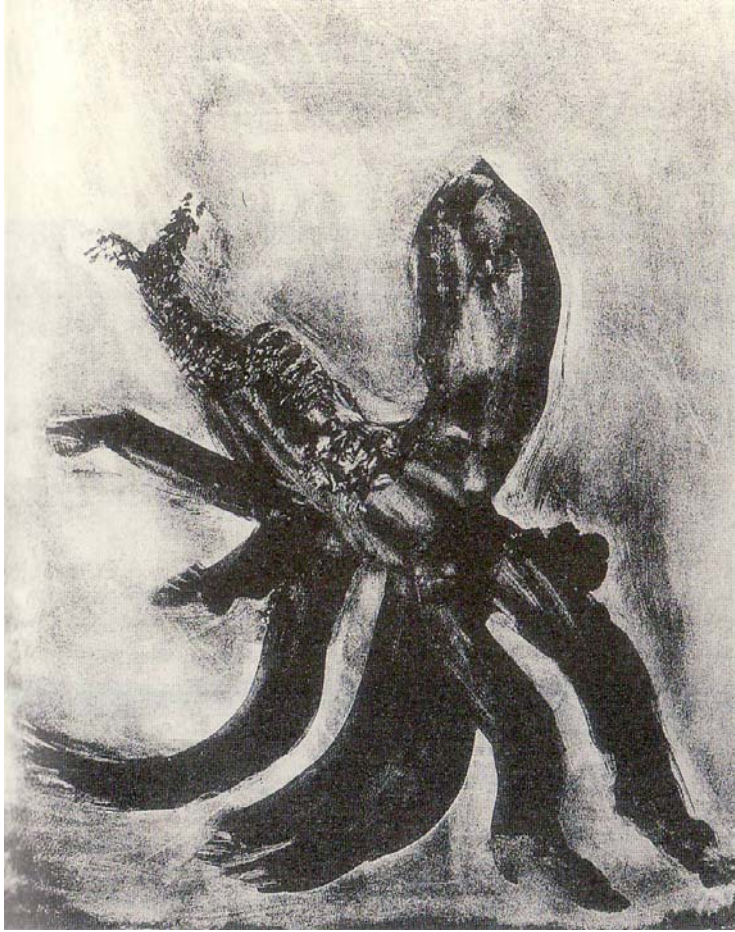


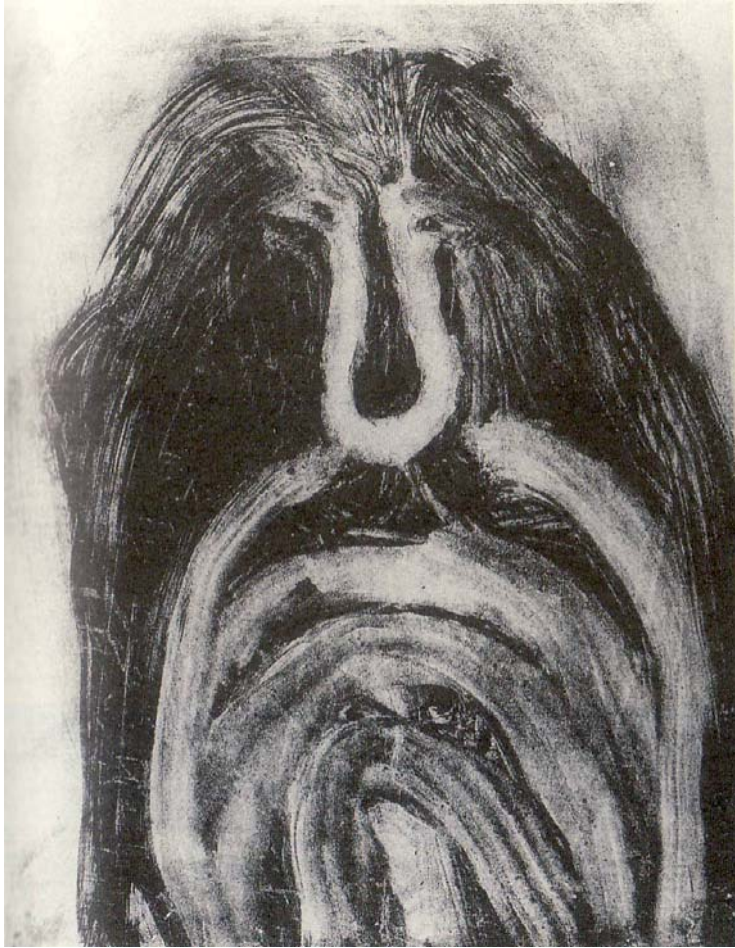




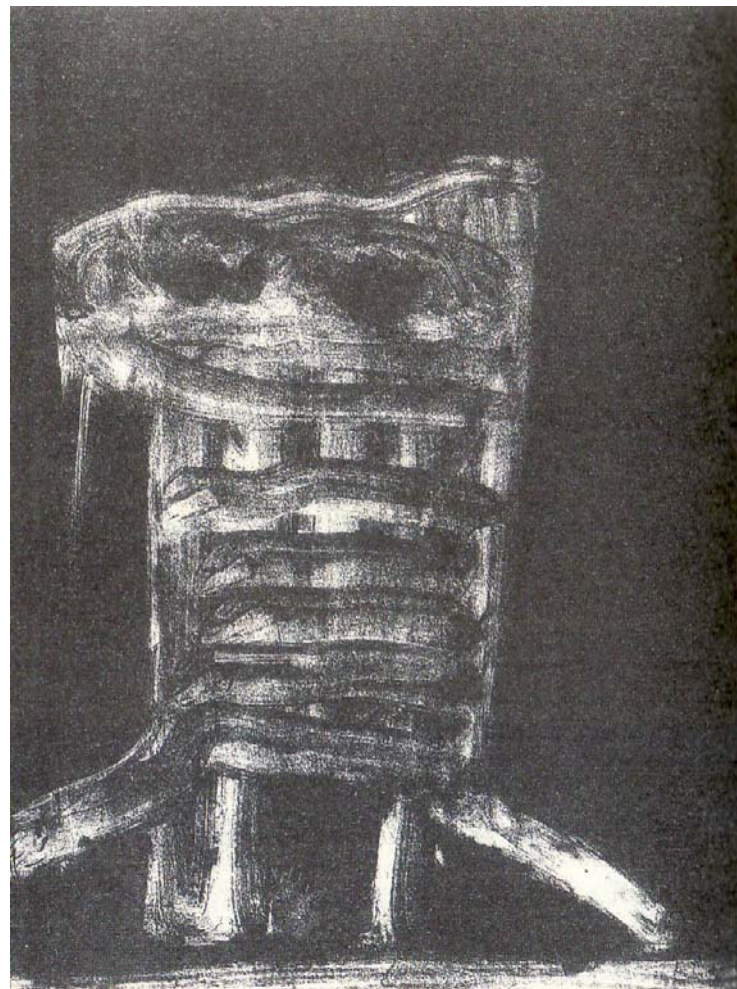
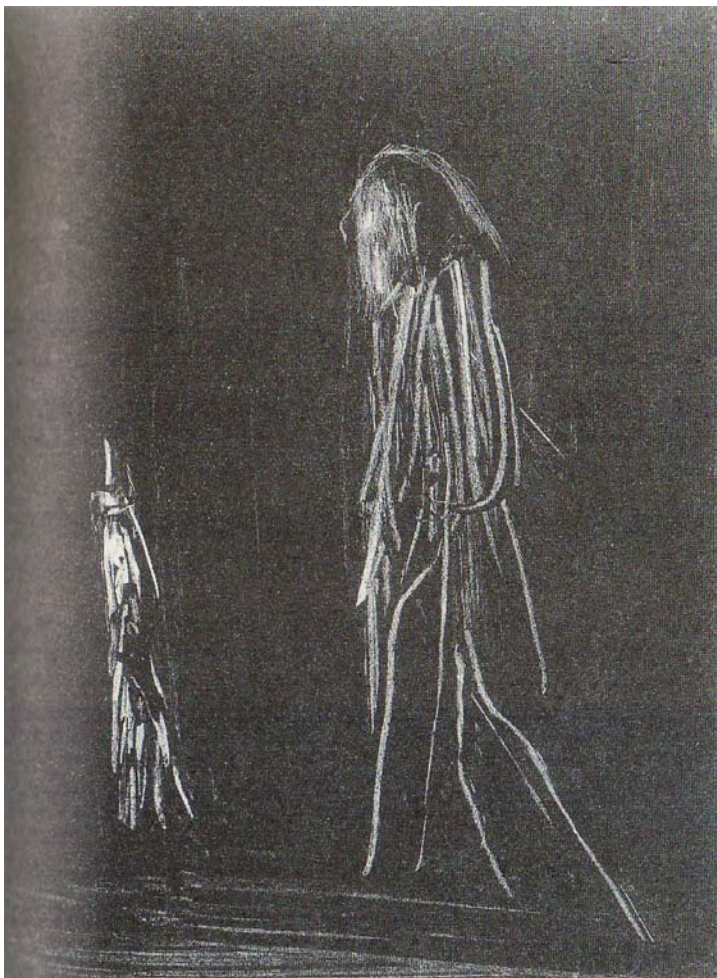


























نشانه‌های نمایان‌گرِ حرکات‌ها

(۱۹۵۱)

و پس‌گفتار

از جلدِ دومِ مجموعه‌ی آثارِ هانری میشو

صفحه‌های ۵۳۱ تا ۵۹۹





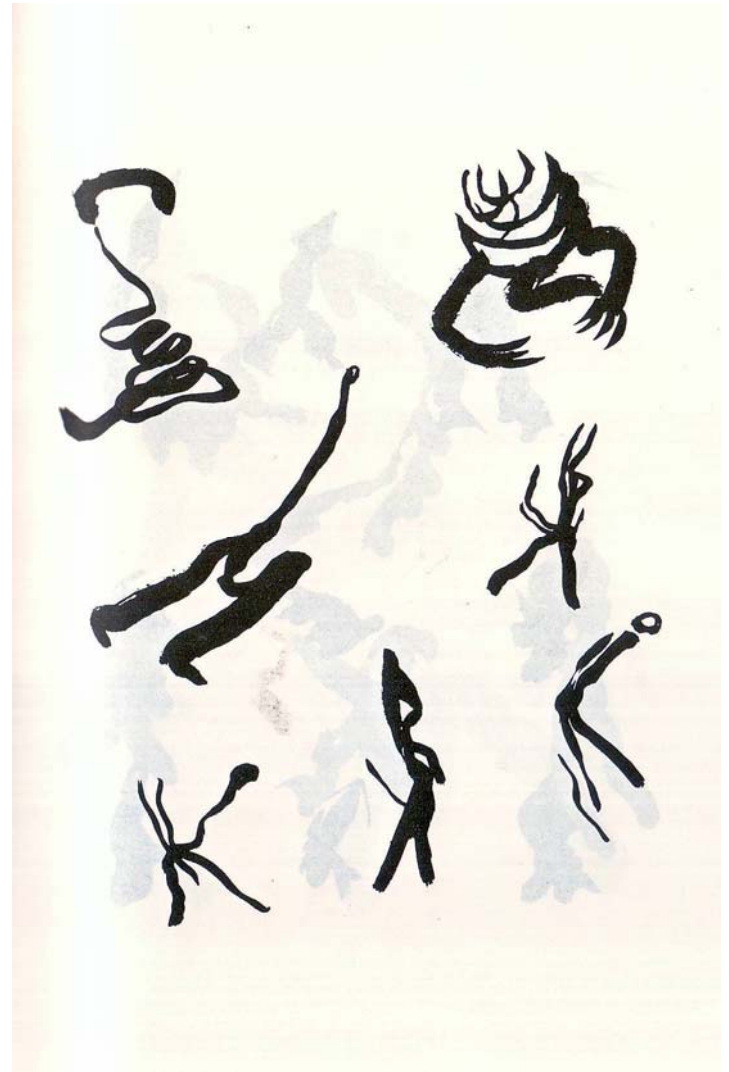






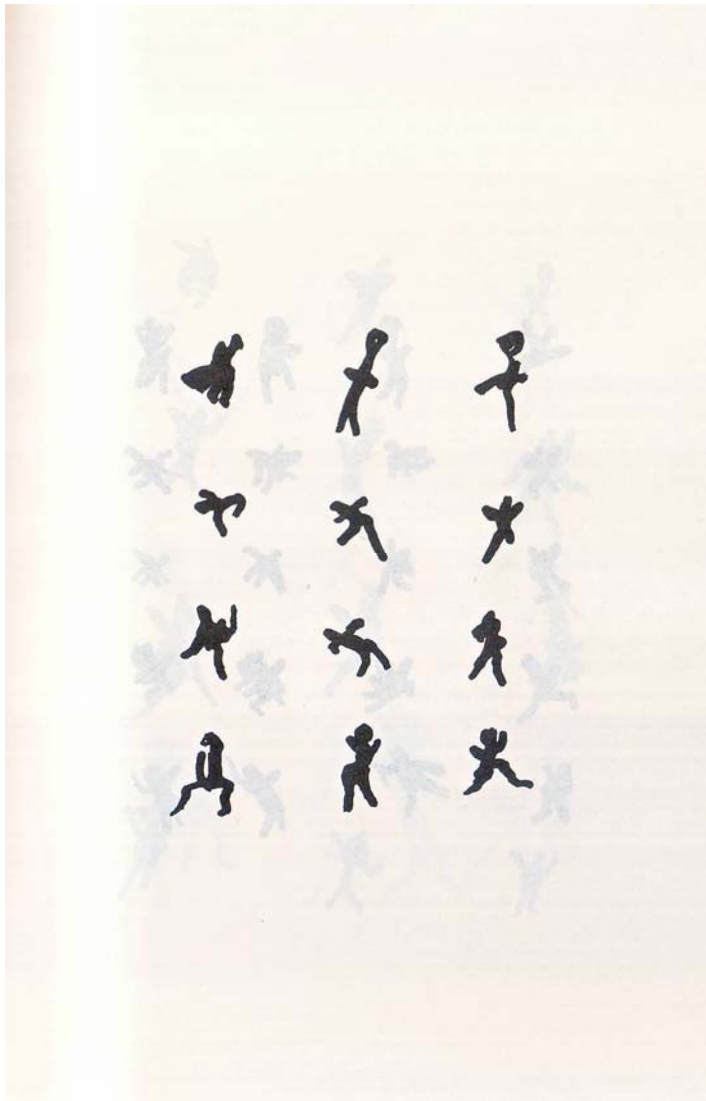


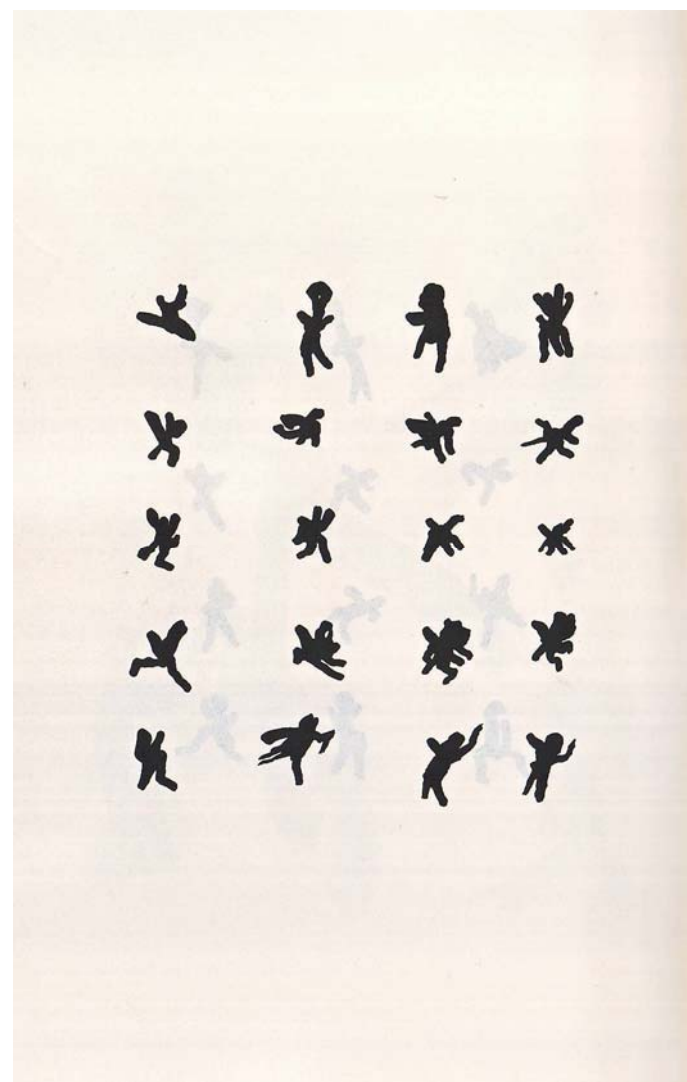
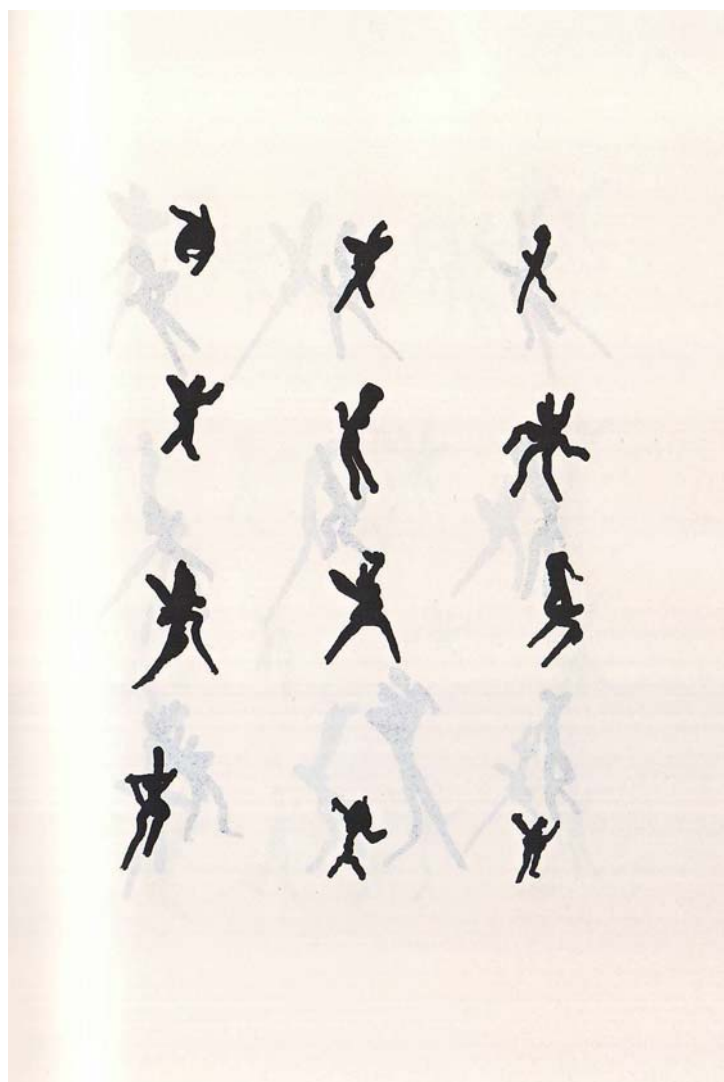


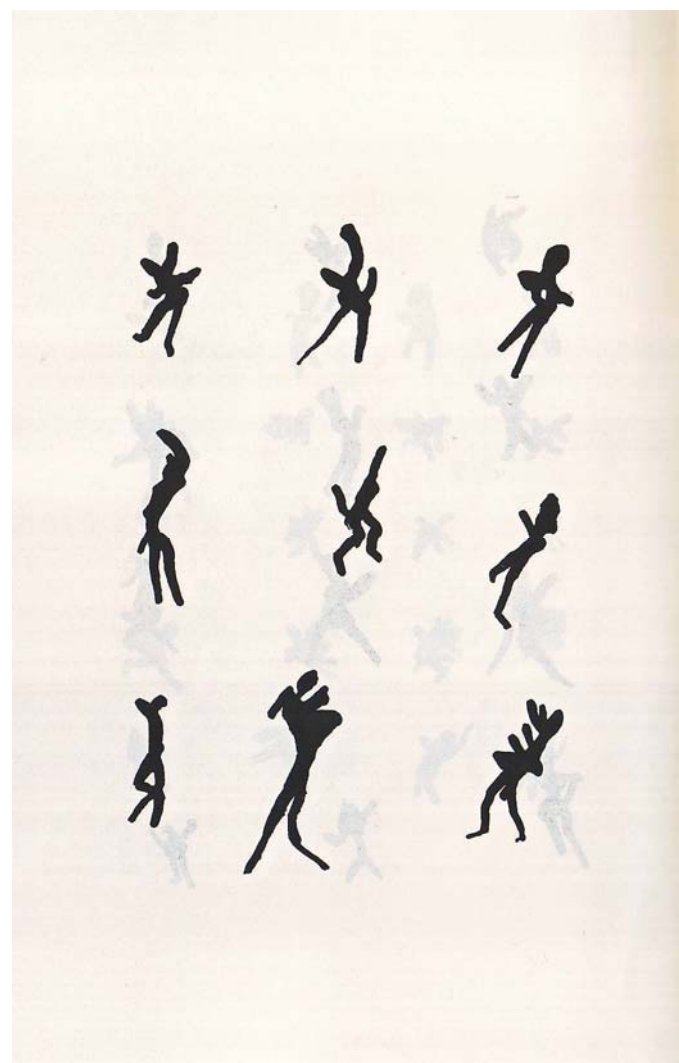
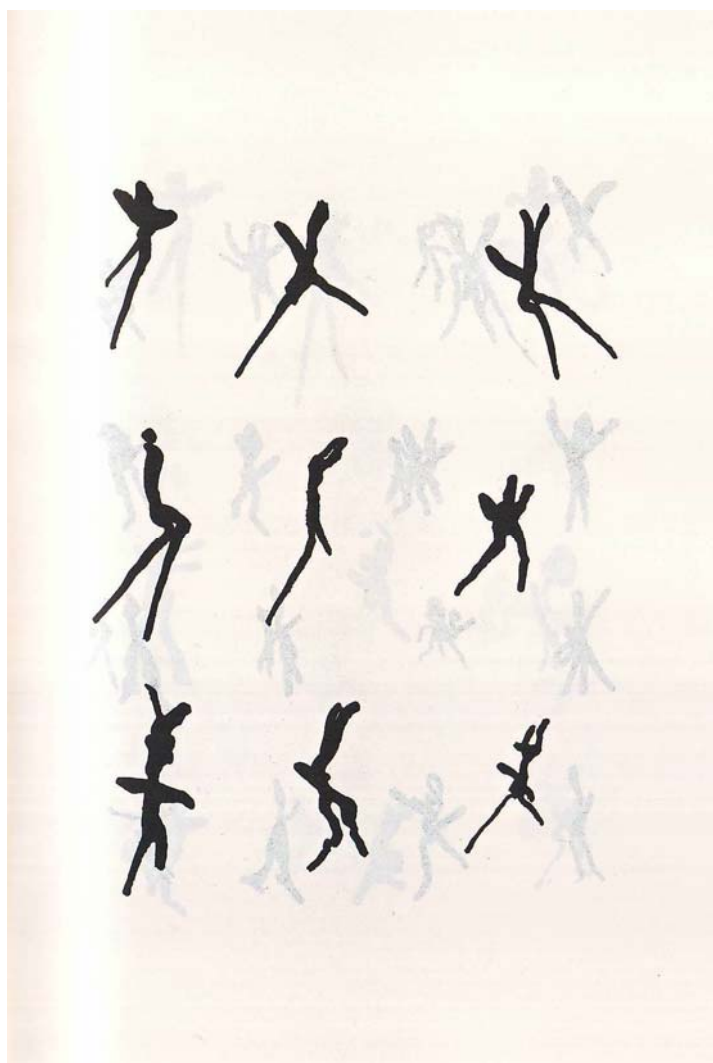




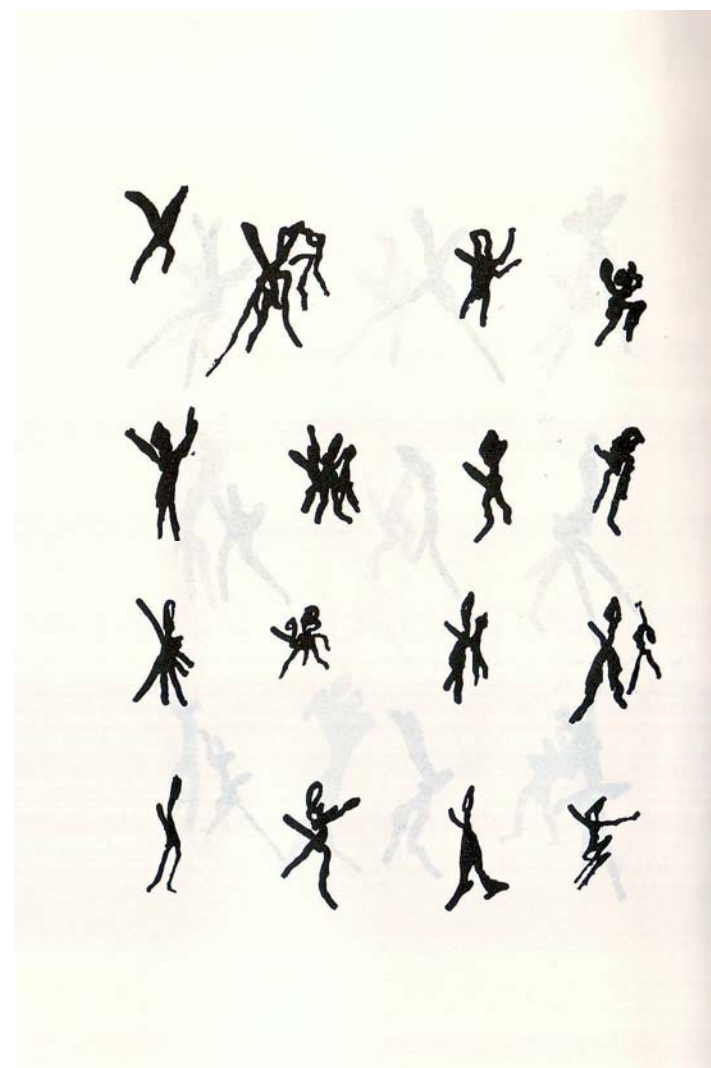
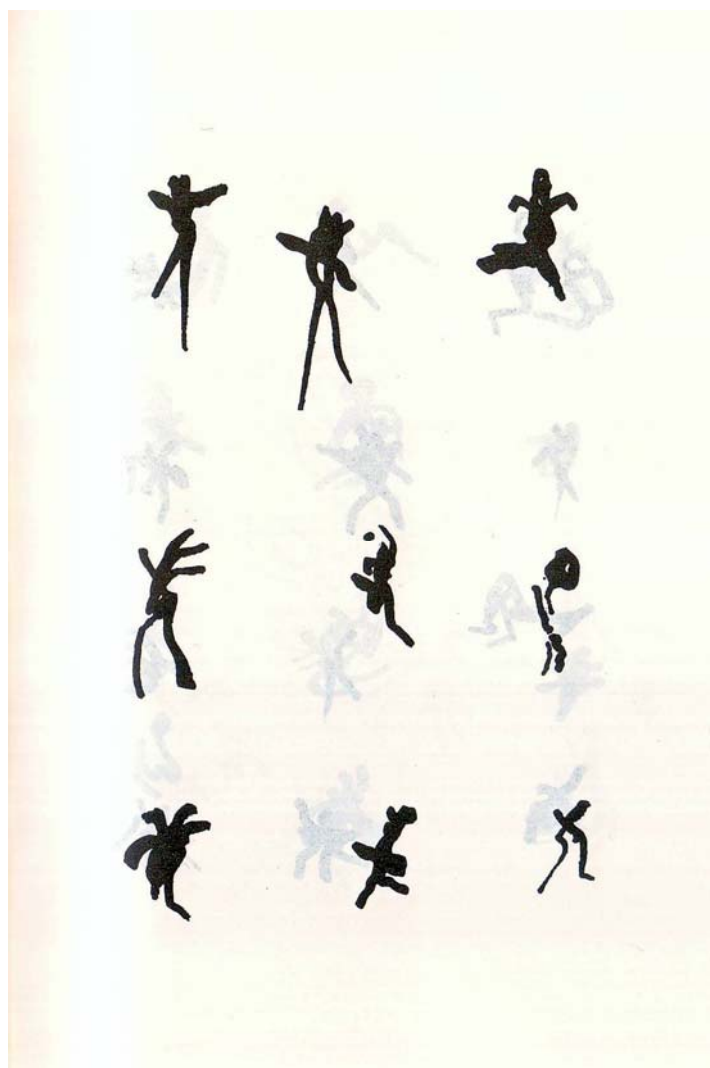


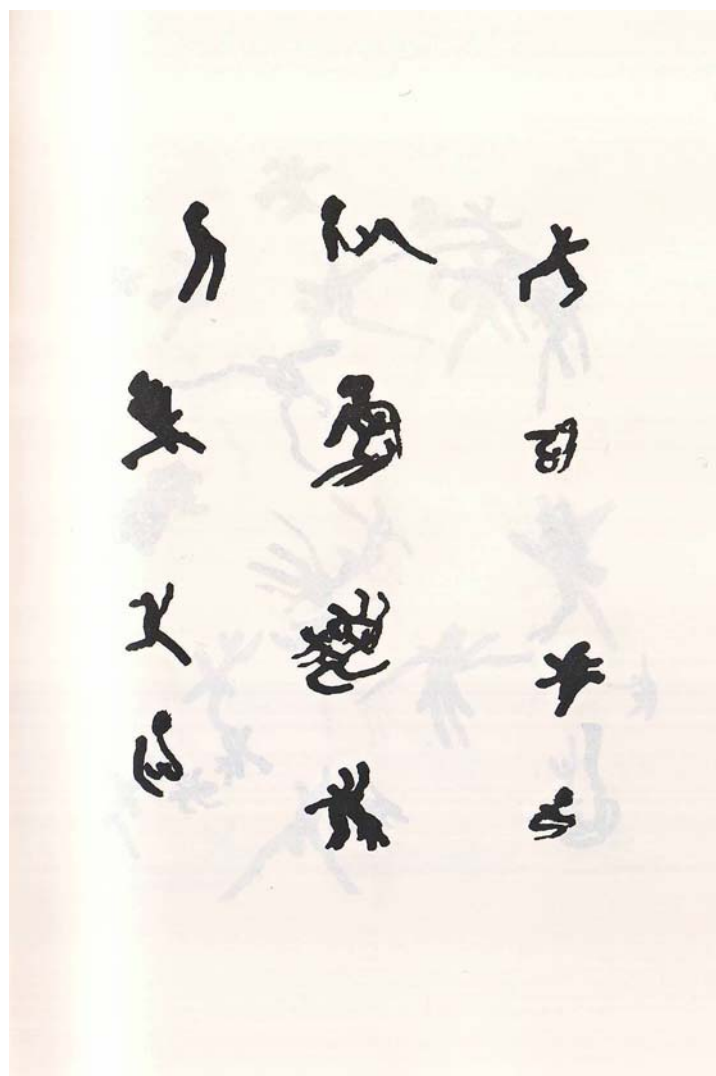


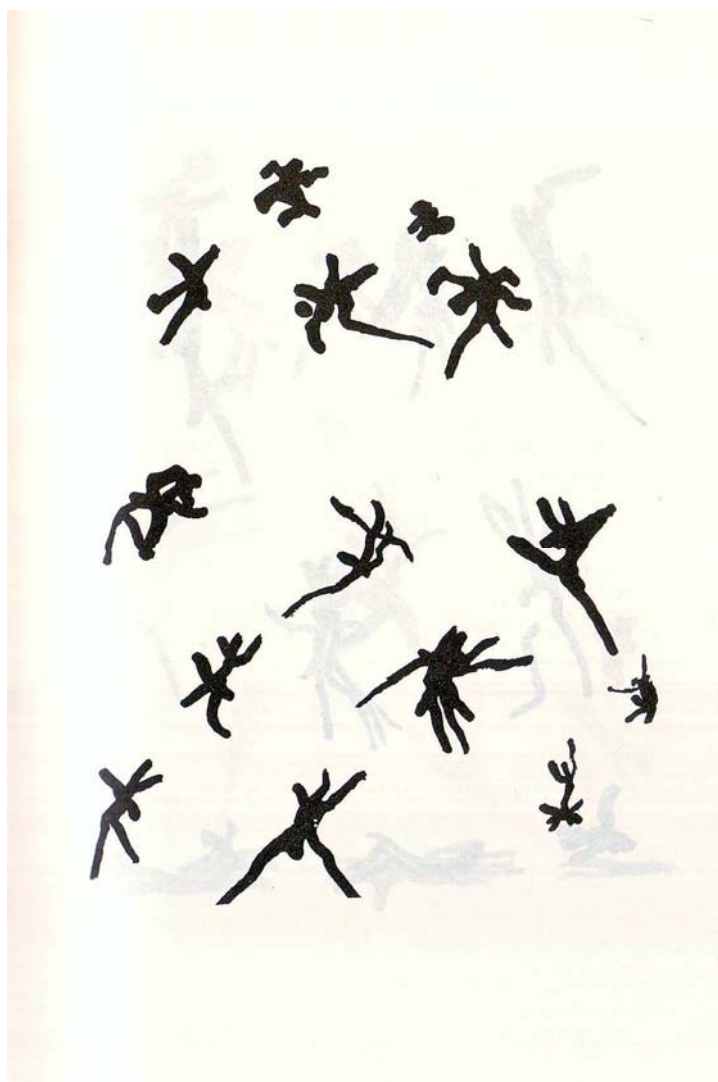












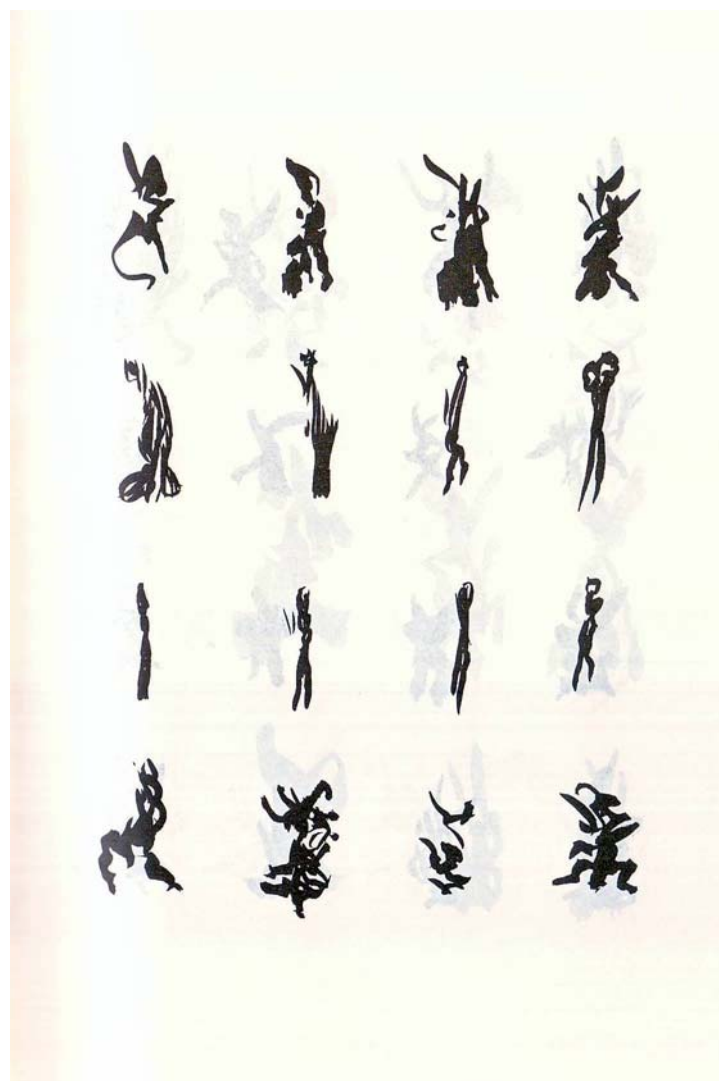


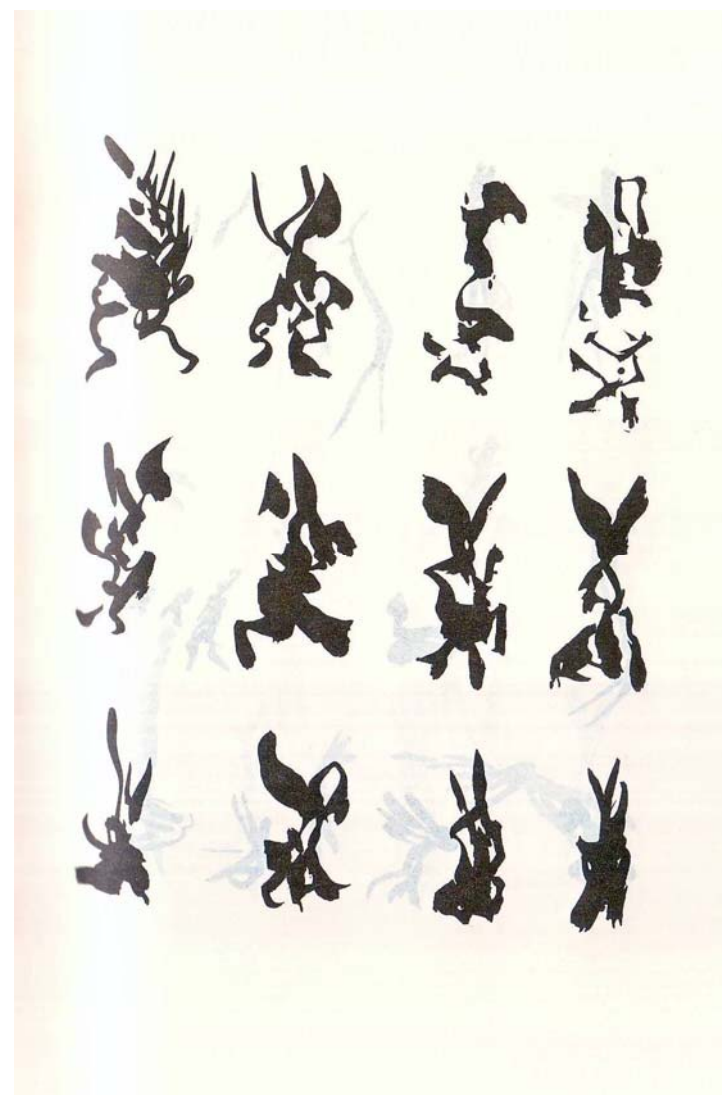


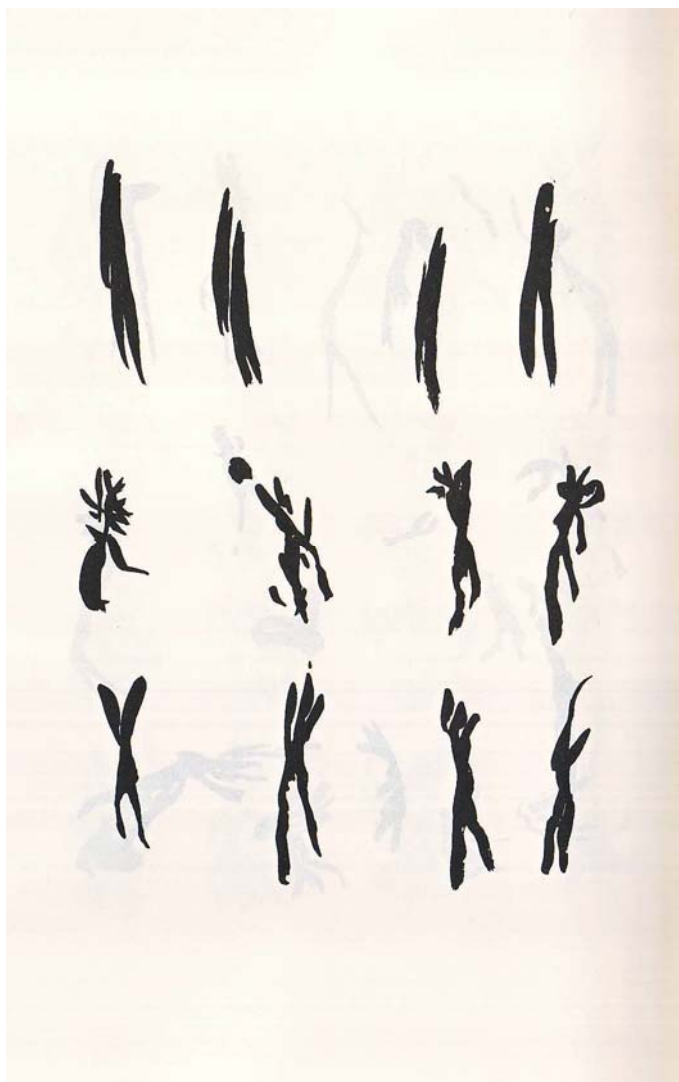


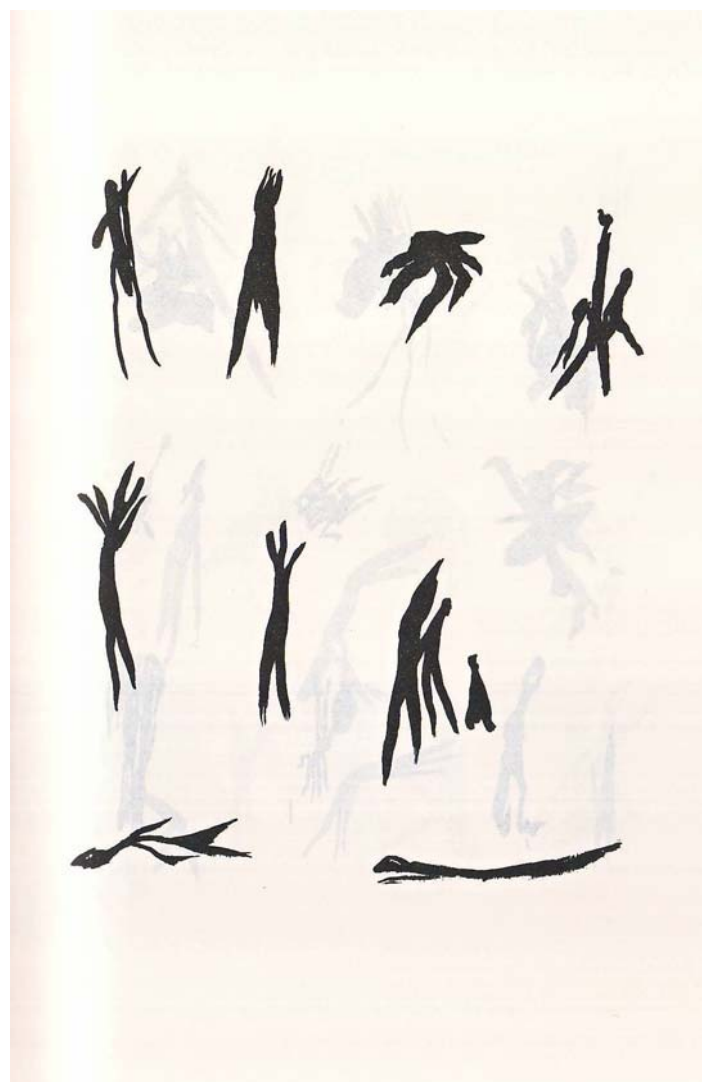




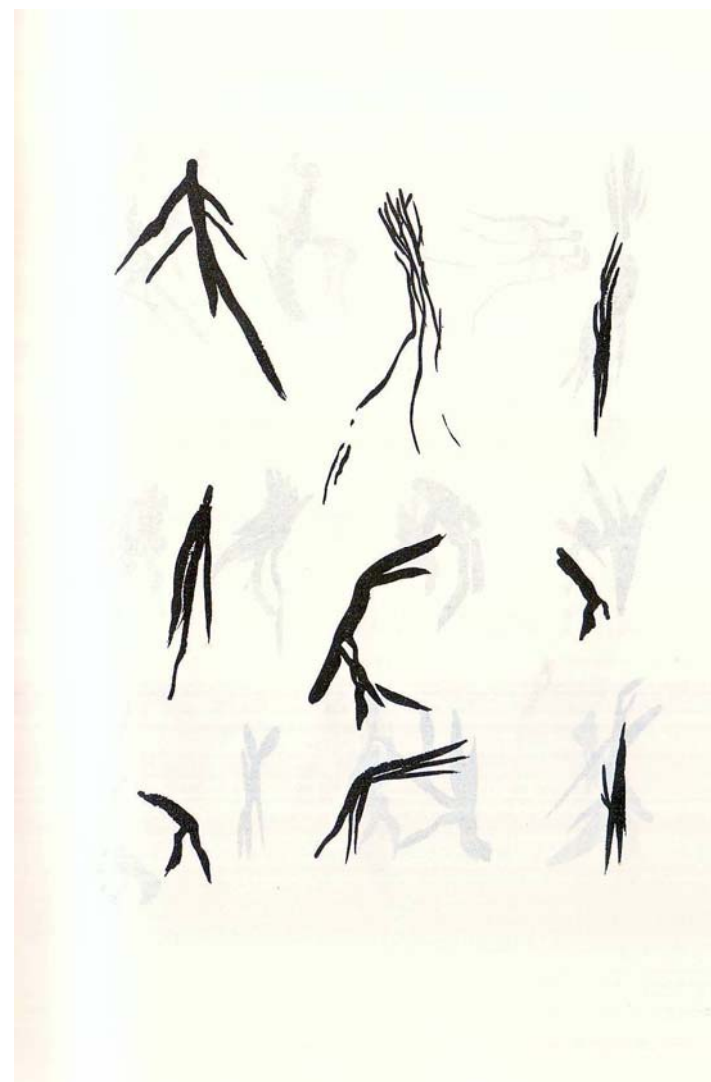






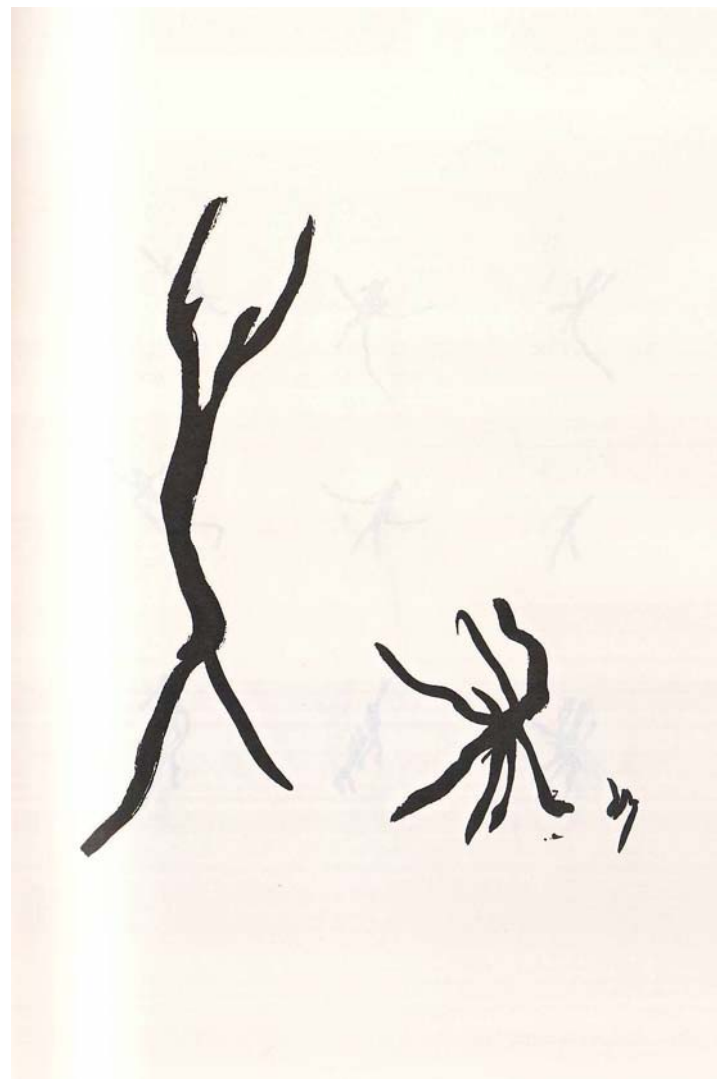






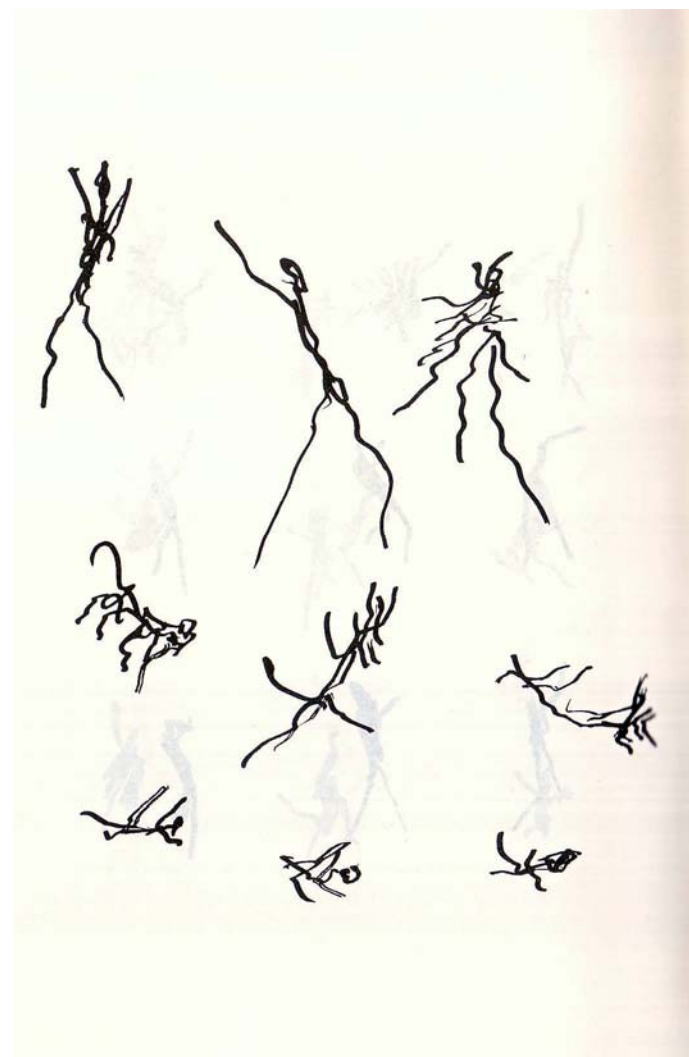
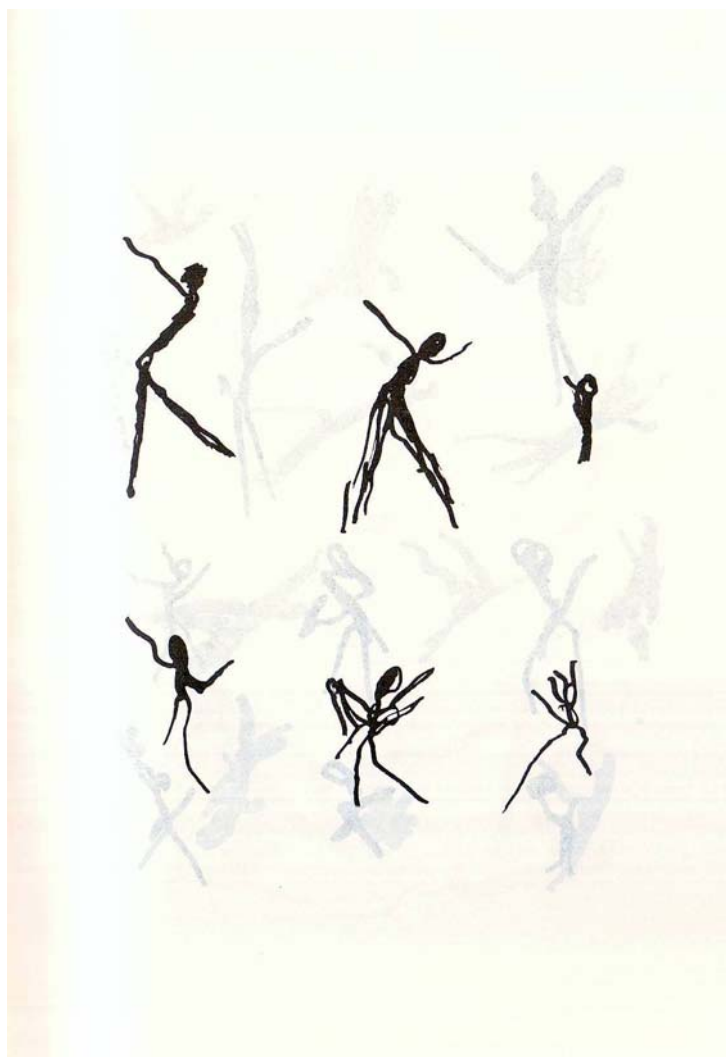




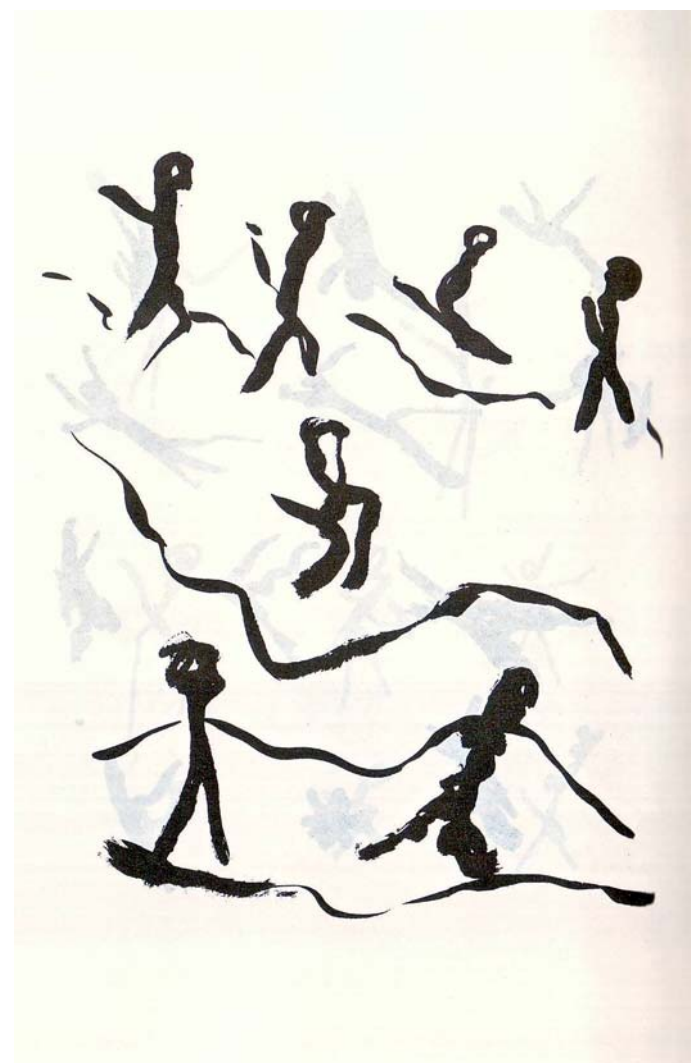




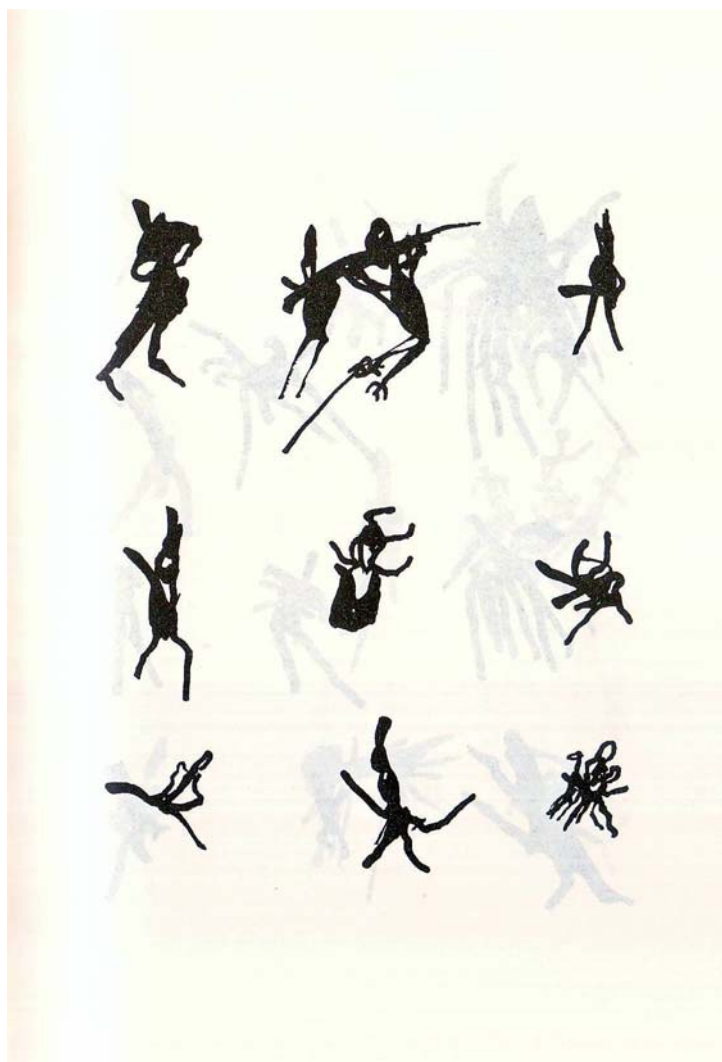




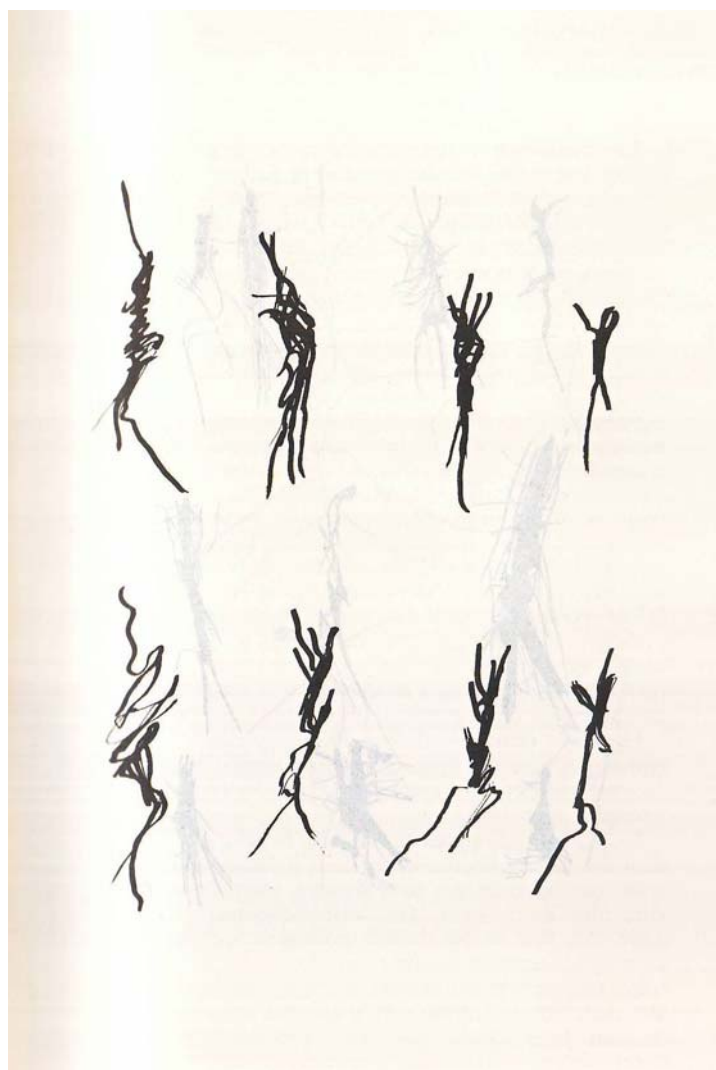


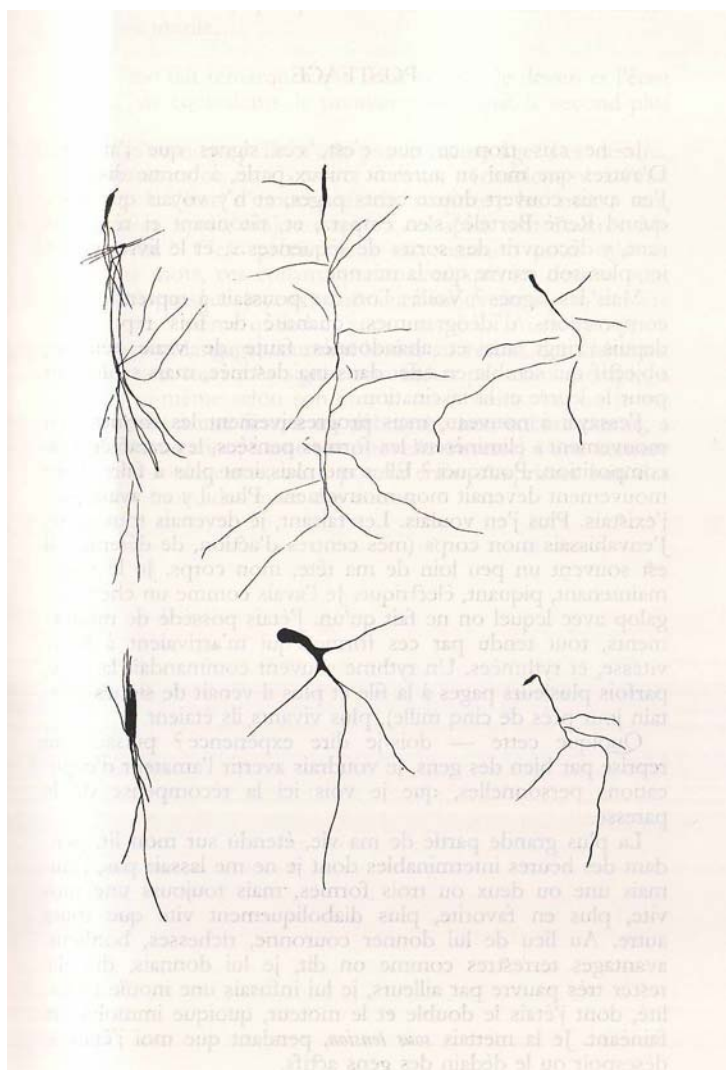














صفحه‌ی پشتِ سرِ هم را با هم، و هرچه نشانه‌های بیشتری می‌آمد (برخی از روزها نزدیک به پنج هزار)، جان‌دارتر بودند.

هر چند که این، باید بگویم تجربه؟ می‌تواند به وسیله‌ی بسا کسان تکرار شود، مایل ام با توضیح‌های شخصی به دوست‌دار این کار هشدار بدهم که من در این کار پاداش تنبلی می‌بینم.

در بخشِ بزرگی از زندگی‌م، درازکشی رویِ تخت‌م، در طولِ ساعت‌های بی‌پایانی که از آنها خسته نمی‌شدم، یکی دو سه شکل را به حرکت می‌آوردم، اما همیشه یکی‌ش را سریع‌تر، سوگلی‌وارتر، شیطان‌وارانه سریع‌تر از آن‌های دیگر. به جای این که بهش تاج و دارایی‌ها و نیک‌بختی و چنان‌که می‌گویند داده‌های زمینی بدهم، وانگهی می‌بایست خیلی هم بی‌چیز باقی بماند، بهش یک تحرکِ باورنکردنی می‌دادم، تریق می‌کردم حتی، که خود گرچه بی‌حرکت و تنبل، هم‌زاد و محرکِ آن بودم. می‌گذاشتمش زپو فندلِ بوق‌آسه در مدتی که خودم ناامیدی یا خواریِ افرادِ فعال بودم. مگر تکرارِ برخی از دقیقه‌های بی‌شمارِ زندگیِ بیهوده‌م، کارِ دیگری اینجا نمی‌کردم، بد یا خوب، رویِ کاغذ و با مرکبِ چین...

رُنه برتوله توجّه‌م را به این نکته جلب می‌کند که در این کتاب طرح و نوشته با هم برابر نیستند، اوّلی آزادشده‌تر و دومی باردارتر است. مگر تعجّبی دارد؟ با هم که هم‌مین نیستند. طرح‌ها، پاک نو در من، به‌ویژه این‌ها، به راستی در حالتِ زایا، در حالتِ معصومیت، غافل‌گیری، حال‌آن‌که واژه‌ها، آمده بعد، بعد، همیشه بعد... و بعد از بسیاری دیگر. آزادم می‌کنند؟ دقیقاً برعکس، برای آزاد کردنم از واژه‌هاست، از این شریک‌های چسبیده است که طرح‌ها قد برافراشته اند و تقریباً شادناک، که انجامِ حرکت‌هایِ آنها برای من سبک‌بارانه بوده است حتی وقتی که از کوره در رفته بودند. این‌چنین من در آنها زبان‌مایه‌ای نوین می‌بینم، پشت کرده به زبانِ کلام، همه‌شان رهایی‌بخش.

## پس گفتار

درست نمی‌دانم چی‌ست، این نشانه‌هایی که ساخته ام. کسانی غیر از من لابد می‌توانستند بهتر درباره‌ش حرف بزنند، با فاصله‌ی مناسب. هزار و دویست صفحه از این‌ها پُر کرده بودم و مگر امواج در آنها نمی‌دیدم، وقتی که رُنه برتوله<sup>۲</sup> آنها را تصاحب کرد و با آزمودنِ راه‌هایِ گوناگون و اندیشیدن، نوع‌هایی از سیکانس‌ها در آنها کشف کرد... و کتابی که اینجاست، بیشتر اثرِ اوست تا مالِ من. اما نشانه‌ها چی؟ ببینید: ترغیب‌م می‌کردند که نگارشِ ایده‌نگاری‌ها را از سر بگیرم، از بیست سال پیش بارها و بارها از سرگرفته به علتِ عدمِ موفقیتِ واقعی رها کرده بودم، هدفی که در واقع به نظر می‌آید قسمتِ من است، اما تنها برایِ فریب و فریبندگی.

از نو سعی کردم، اما رفته‌رفته شکل‌هایِ «در حرکت» شکل‌هایِ اندیشیده و نویسه‌هایِ نگارش را پس زدند. چرا؟ خوش‌م می‌آمد از آنها بیشتر بسازم. حرکتِ آنها حرکتِ من می‌شد. هرچه بیشتر از آنها وجود داشت، بیشتر وجود داشتم. بیشتر می‌خواستم از آنها. با ساختنِ آنها، پاک دیگر می‌شدم. تنم را فرامی‌گرفتم (کانون‌هایِ کُنش و آرامش‌م). اغلب اندکی دورتر از سرم است، تنم. حالا دیگر در اختیارش داشتم، محرک، برقی. داشتمش همچو اسبی در تاخت که آدم یکی می‌شود با او. تسخیرشده‌ی حرکت‌ها بودم، پاک منقبض از شکل‌هایی که بر من وارد می‌شدند با سرعتِ تمام، و آهنگین. اغلب آهنگی صفحه را زیرِ فرمان داشت، گاهی چندین

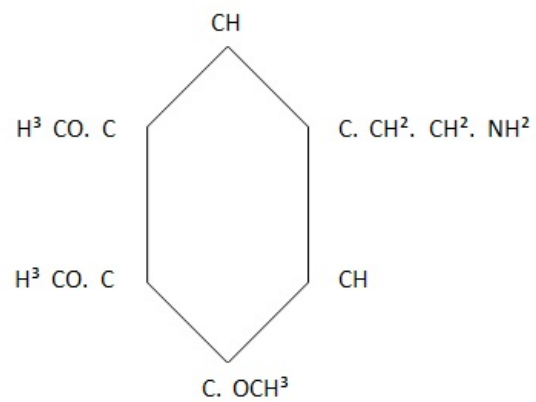
هرکس که، با پی‌گیری کردنِ نشانه‌هایِ من به پیروی از نمونه‌یِ من ترغیب شود، تا بنا بر هستیِ خود و نیازهایِ خود از آنها بسازد، اگر سخت در اشتباه نباشم، به جشنی خواهد رفت، به آغازی هنوز ناشناخته، به یک رسوب‌زدایی، به یک زندگیِ نویِ باز، به یک خطّی که انتظارش هم نمی‌رفت، آرام‌بخش، که در آن می‌تواند خودش را سرانجام بیان کند به دور از واژه‌ها، واژه‌ها، واژه‌هایِ دیگران.

پیش گفتار، طرح‌ها و دست‌نوشته‌ها، و پس‌گفتار

## معجزه‌ی مفلوک، مسکالین

(۱۹۷۲، ۱۹۵۶)

از جلد دوم مجموعه‌ی آثار هانری میشو  
برگرفته از میان صفحات ۶۱۷ تا ۶۷۶



... و انسان آنگاه خود را، خلاصه که بگویم، در چنان موقعیتی می‌یابد که پنجاه آوانامش گوناگون و هم‌زمان و متناقض و به هر نیم‌تایی متغیر، چه بسا وفادارانه‌ترین بیانی آن خواهد بود.



## پیش گفتار

پرتابیده به شتاب، با تکانِ شدید، در و از خلالِ کاغذ، جمله‌های قطع شده، با هجاهای پرنده، پَرپَر، پریشان، هجوم می‌آوردند، می‌افتادند، می‌مردند. ژنده‌های آنها باز زنده می‌شدند، باز راه می‌افتادند، تیز می‌رفتند، می‌پُکیدند از نو. حرف‌های آنها به دود می‌انجامیدند یا زیگزاگی ناپدید می‌شدند. بعدی‌ها، همین‌گونه ناپیوسته، هم‌چنان به داستانِ مغشوشِ خود ادامه می‌دادند، پرنده‌هایِ در قلبِ مصیبت که قیچی‌هایی نامرئی بال‌هایِ آنها را در پرواز می‌بریدند.

گاهی واژه‌ها فوری به هم جوش می‌خوردند. «شهیدشدنی‌وارانه» مثلاً به ذهنِ می‌آمد و هی می‌آمد، بسیار گویا بود برای من، و نمی‌توانستم خودم را از شِ خلاص کنم. یکی دیگر، خستگی‌ناپذیر، تکرار می‌کرد «کراکاتوآ!»، «کراکاتوآ! کراکاتوآ!» یا واژه‌ای عام‌تر نیز مانند «کریستال» بیست بار پشتِ هم می‌آمد، و به‌تنهایی برای من نطقِ قرآنی می‌کرد باردارِ جهانی دیگر، و نمی‌رسیدم چیزی هرچند اندک بهش بیفزایم، یا به واژه‌ای دیگر تکمیل‌ش کنم. او تنها، همچو کشتی شکسته‌ای بر جزیره‌ای، برای من مطلقاً همه‌چیز بود، و اقیانوسِ ناآرامی را مقاومت‌ناپذیرانه به یادِ می‌آورد که از آن بیرون آمده بود، چون من نیز کشتی شکسته‌ای بودم، تنها و مقاومت‌کنان در شکست.

در تغارِ سترگِ نورگیری، من، شتک‌خورده‌ی روشنائی، پیش می‌رفتم مست و بی‌پروا، بی بازگشتی هرگز به پشت.

چطور بیان‌ش کنم؟ لابد به یک شیوه‌ی ناهموار نیاز بود که من ندارم، ساخته از غافل‌گیری‌ها، از آسمان‌ریسمان‌ها، از بررسی‌های اجمالیِ آنی، از تحوّل‌های ناگهانی و از پی‌آمدها، سبکی ناستوار، سُرسره‌خور و مسخره.

در این کتاب، حاشیه‌یِ اِشغال‌شده<sup>۱</sup> بیشتر با میان‌برها تا با عنوان‌ها تداخل‌ها نارِسا بیان می‌کند، پدیده‌ای همواره حاضر در مسکالین که بدونِ آن گویی از چیز دیگری سخن می‌رود. «ترفندها»یِ دیگری به کار نبرده ام. چه‌بسا بسی از آنها ضروری می‌بود. دشواری‌هایِ برطرف‌نشده‌ی ناشی از سرعتِ باورنکردنیِ تجلّی‌ها و

این یک بررسی‌ست. از راوِ واژه‌ها، نشانه‌ها، طرح‌ها. بررسیده، مسکالین است. آنهایی که بلد اند نوشتاری را بخوانند، در فقط دست‌نوشته‌ی سی و دو صفحه‌ی آورده‌شده در اینجا از صد و پنجاه صفحه‌ی نوشته‌شده در قلبِ اختلالِ درونی، درجا بیش از هر توصیفِ دیگری درباره‌ی آن خواهند آموخت.

و اما طرح‌ها که درست پس از تجربه‌ی سوم آغاز شد، با حرکتی ارتعاشی کشیده شده اند، حرکتی که به خودیِ خود روزها و روزها باقی می‌ماند، وانگهی ناآگاهانه و کور، اما دقیقاً این‌چنین است که مُبصرهایِ تحمّل‌شده باز تولید شده حرکت با آنها تکرار می‌شود.

در نبودِ امکان به دست دادنِ نسخه‌یِ کاملِ دست‌نوشته، که مستقیماً و هم‌زمان موضوع و ضرب‌آهنگ‌ها و شکل‌ها و بی‌نظمی‌ها، و هم‌چنین دفاع‌هایِ درونی و پاشیدگیِ آنها را گزارش می‌کرد، خود را در برابرِ دیوارِ چاپ با مشکلی بزرگ روبه‌رو دیدیم. همه می‌بایست از سر بازنوشته می‌شد. متنِ اوّل<sup>۲</sup>، بیشتر حسّی تا خوانا، هم‌چنین بیشتر کشیده‌شده تا نوشته‌شده، در هر حال نمی‌توانست کافی باشد.

دگرگونی‌ها و ناپدیدي مبصرهاست؛ ناشی از کثرت، از تکثیر سریع در هر مبصر؛ از بسط‌های بادزن‌طوری و به شکل گل‌آذین‌های چتری، با پیشرفت‌های خودمختار، مستقل، و هم‌زمان (می‌توان گفت بر هفت پرده)؛ از نوع غیر حسی؛ از ظاهر احمقانه و به‌ویژه ماشین‌شان: رگبارهای تصویرها، رگبارهای از «بله» یا از «نه»، رگبارهای حرکت‌های کلیشه‌ای.

من هم خنثی<sup>۱</sup> نبودم البته، رد نمی‌کنم. مسکالین و من، در واقع بیشتر در مبارزه بودیم تا با هم. تکان خورده بودم، در هم شکسته بودم، اما راه نمی‌آمدم. زرق و برق دار، این بود نمایشش. تازه کافی بود آدم چشم‌هاش را باز کند تا دیگر هیچ چیزی از آن نمایش باشکوه ابلهانه نبیند. مسکالین ناهمساز، آکالوئید گرفته از پیوئل<sup>۲</sup>، کاکتوسی با شیش آکالوئید، راستی که شکل یک ربات بود. بلد بود فقط یک کارهایی بکند.

با این‌همه خودم را برای تحسین آماده کرده بودم. با اعتماد آمده بودم. آن روز، سلول‌های من قاطی شدند، تکانده شدند، دست‌کاری شدند، دچار تشنج شدند. نوازش داده می‌شدند، روی‌شان به ریشه‌کنی‌هایی پرداخته می‌شد. توقع توافقی کامل من می‌رفت. برای حظ بردن از یک مخدر باید خوش داشت مُقَد بود. این برای من زیاده «کارِ شاق» بود.

با تکان‌های وحشتناک خود من بود که آن نمایشش را راه می‌انداخت. آتش‌بازی‌ای بودم که خوار می‌شمارد آتش‌باز را، حتی اگر به او ثابت کنند که خود اوست آتش‌باز. می‌جُنباندم، و می‌داشتم به ساختن شیکنج‌ها. مبهوت، خیره ماندم به حرکتی براونی<sup>۳</sup>، وحشت ادراک.

گیج بودم، خسته از گیج بودن، دیده بر این میکروسکوپ. چه چیز فوق طبیعی در این؟ همین‌ها هم ترک انسان گفته نمی‌شد. بیشتر خود را گرفتار و زندانی یک کارگاه مغز احساس می‌کردم.

از خوش‌آیندی سخن باید گفت آیا؟ ناخوش‌آیند بود.

به محض پایان گرفتن اضطراب ساعت نخست — نتیجه‌ی رویارویی با زهر — چنان اضطرابی که انسان از خود می‌پرسد نکند از هوش برود — چنان‌که برای برخی‌ها پیش می‌آید، البته راستی که به‌ندرت — آنگاه می‌توان خود را به یک جور جریانی سپرد که احتمالاً شبیه نیک‌بختی است. باورش کردم؟ به خلاف آن یقین ندارم. با این‌همه در تمام مدت این ساعت‌های باورنکردنی، در یادداشت‌های روزنامه‌ی خودم این واژه‌ها را می‌یابم، نوشته‌شده بیش از پنجاه بار، ناشیانه، به‌دشواری: تحمّل‌ناپذیر، تاب‌ناوردنی.

این است بهای این بهشت (!)

مارس ۱۹۵۵.





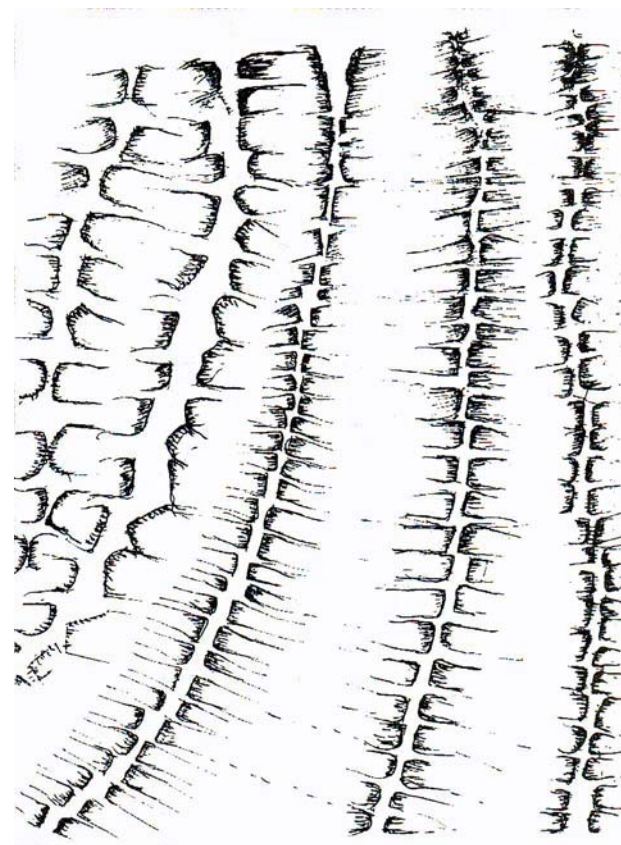
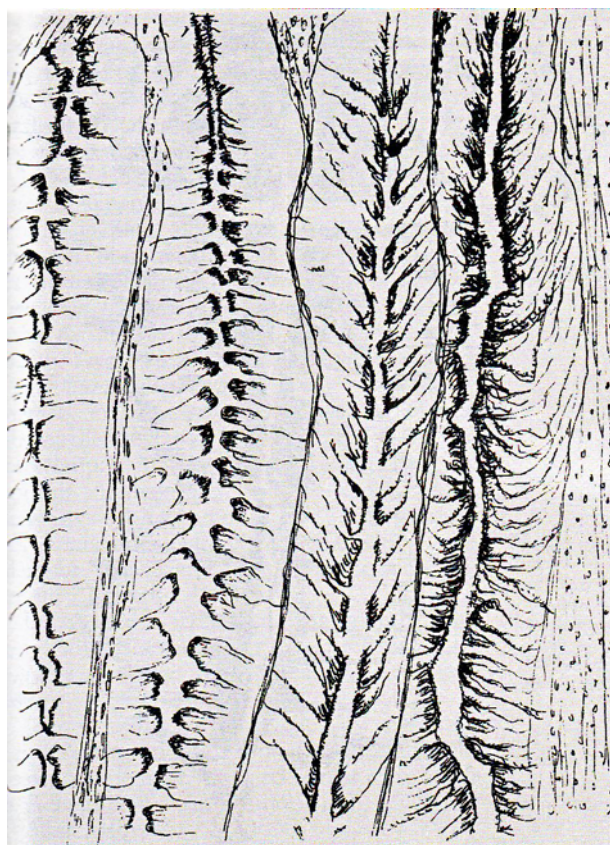
1.6



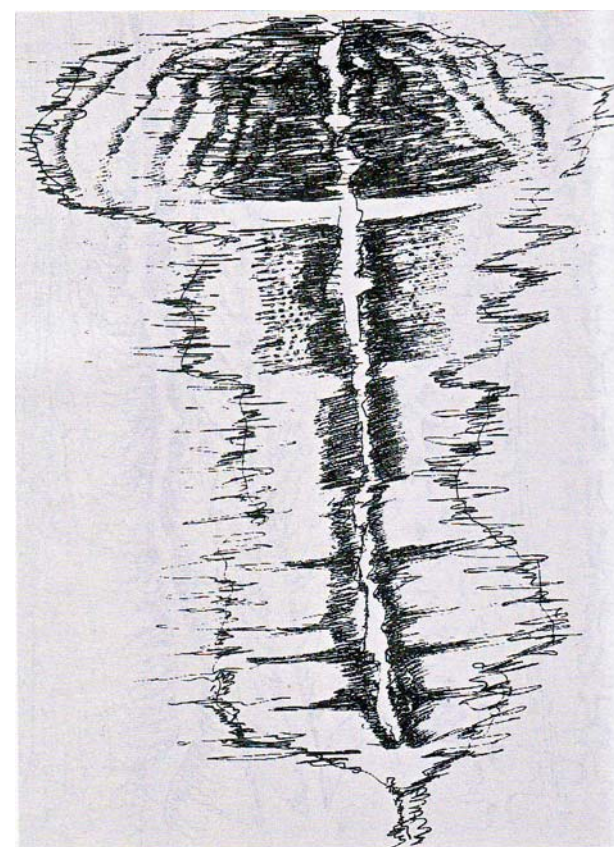
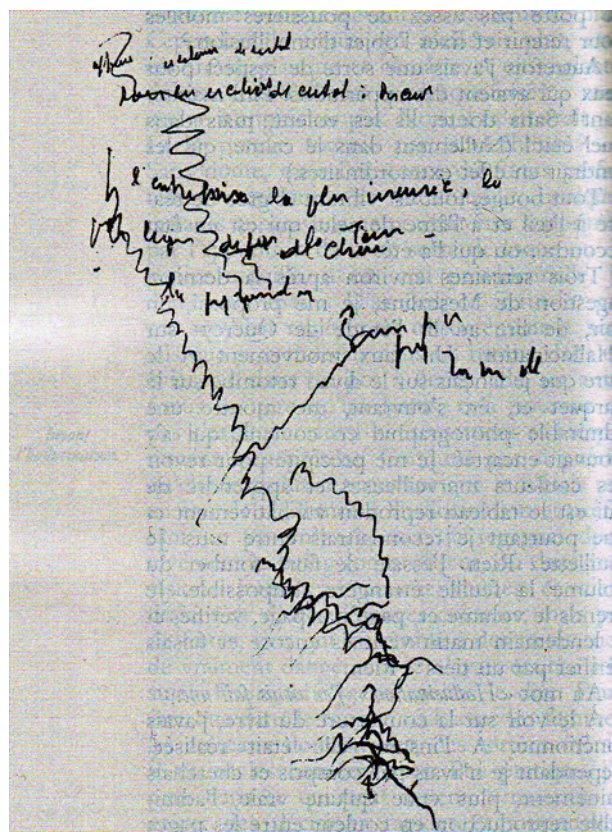
1.5

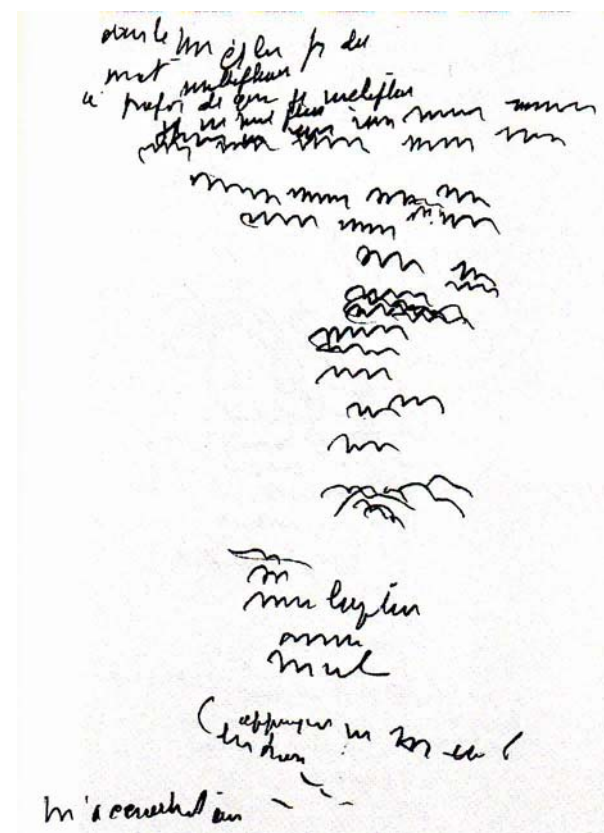
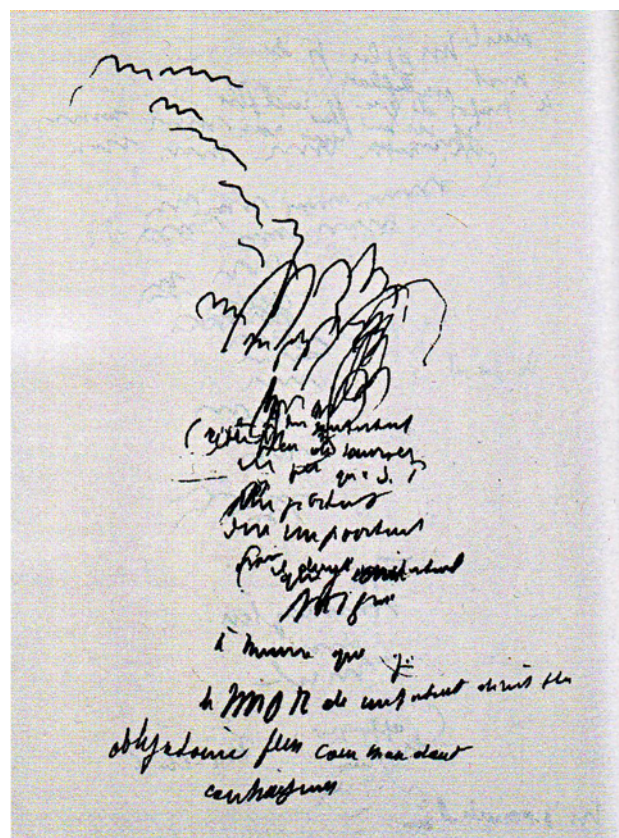














Wagner da 12 Schalltön

*[Handwritten signature]*

✓  
 1/2 hr  
 1/2 hr

and I am sure that  
 it is for your own good  
 and for the good of the world

mp  
mp  
mp

Strongly  
 1. 2. 3. 4. 5. 6. 7. 8. 9. 10. 11. 12. 13. 14. 15. 16. 17. 18. 19. 20. 21. 22. 23. 24. 25. 26. 27. 28. 29. 30. 31. 32. 33. 34. 35. 36. 37. 38. 39. 40. 41. 42. 43. 44. 45. 46. 47. 48. 49. 50. 51. 52. 53. 54. 55. 56. 57. 58. 59. 60. 61. 62. 63. 64. 65. 66. 67. 68. 69. 70. 71. 72. 73. 74. 75. 76. 77. 78. 79. 80. 81. 82. 83. 84. 85. 86. 87. 88. 89. 90. 91. 92. 93. 94. 95. 96. 97. 98. 99. 100. 101. 102. 103. 104. 105. 106. 107. 108. 109. 110. 111. 112. 113. 114. 115. 116. 117. 118. 119. 120. 121. 122. 123. 124. 125. 126. 127. 128. 129. 130. 131. 132. 133. 134. 135. 136. 137. 138. 139. 140. 141. 142. 143. 144. 145. 146. 147. 148. 149. 150. 151. 152. 153. 154. 155. 156. 157. 158. 159. 160. 161. 162. 163. 164. 165. 166. 167. 168. 169. 170. 171. 172. 173. 174. 175. 176. 177. 178. 179. 180. 181. 182. 183. 184. 185. 186. 187. 188. 189. 190. 191. 192. 193. 194. 195. 196. 197. 198. 199. 200. 201. 202. 203. 204. 205. 206. 207. 208. 209. 210. 211. 212. 213. 214. 215. 216. 217. 218. 219. 220. 221. 222. 223. 224. 225. 226. 227. 228. 229. 230. 231. 232. 233. 234. 235. 236. 237. 238. 239. 240. 241. 242. 243. 244. 245. 246. 247. 248. 249. 250. 251. 252. 253. 254. 255. 256. 257. 258. 259. 260. 261. 262. 263. 264. 265. 266. 267. 268. 269. 270. 271. 272. 273. 274. 275. 276. 277. 278. 279. 280. 281. 282. 283. 284. 285. 286. 287. 288. 289. 290. 291. 292. 293. 294. 295. 296. 297. 298. 299. 300. 301. 302. 303. 304. 305. 306. 307. 308. 309. 310. 311. 312. 313. 314. 315. 316. 317. 318. 319. 320. 321. 322. 323. 324. 325. 326. 327. 328. 329. 330. 331. 332. 333. 334. 335. 336. 337. 338. 339. 340. 341. 342. 343. 344. 345. 346. 347. 348. 349. 350. 351. 352. 353. 354. 355. 356. 357. 358. 359. 360. 361. 362. 363. 364. 365. 366. 367. 368. 369. 370. 371. 372. 373. 374. 375. 376. 377. 378. 379. 380. 381. 382. 383. 384. 385. 386. 387. 388. 389. 390. 391. 392. 393. 394. 395. 396. 397. 398. 399. 400. 401. 402. 403. 404. 405. 406. 407. 408. 409. 410. 411. 412. 413. 414. 415. 416. 417. 418. 419. 420. 421. 422. 423. 424. 425. 426. 427. 428. 429. 430. 431. 432. 433. 434. 435. 436. 437. 438. 439. 440. 441. 442. 443. 444. 445. 446. 447. 448. 449. 450. 451. 452. 453. 454. 455. 456. 457. 458. 459. 460. 461. 462. 463. 464. 465. 466. 467. 468. 469. 470. 471. 472. 473. 474. 475. 476. 477. 478. 479. 480. 481. 482. 483. 484. 485. 486. 487. 488. 489. 490. 491. 492. 493. 494. 495. 496. 497. 498. 499. 500. 501. 502. 503. 504. 505. 506. 507. 508. 509. 510. 511. 512. 513. 514. 515. 516. 517. 518. 519. 520. 521. 522. 523. 524. 525. 526. 527. 528. 529. 530. 531. 532. 533. 534. 535. 536. 537. 538. 539. 540. 541. 542. 543. 544. 545. 546. 547. 548. 549. 550. 551. 552. 553. 554. 555. 556. 557. 558. 559. 560. 561. 562. 563. 564. 565. 566. 567. 568. 569. 570. 571. 572. 573. 574. 575. 576. 577. 578. 579. 580. 581. 582. 583. 584. 585. 586. 587. 588. 589. 590. 591. 592. 593. 594. 595. 596. 597. 598. 599. 600. 601. 602. 603. 604. 605. 606. 607. 608. 609. 610. 611. 612. 613. 614. 615. 616. 617. 618. 619. 620. 621. 622. 623. 624. 625. 626. 627. 628. 629. 630. 631. 632. 633. 634. 635. 636. 637. 638. 639. 640. 641. 642. 643. 644. 645. 646. 647. 648. 649. 650. 651. 652. 653. 654. 655. 656. 657. 658. 659. 660. 661. 662. 663. 664. 665. 666. 667. 668. 669. 670. 671. 672. 673. 674. 675. 676. 677. 678. 679. 680. 681. 682. 683. 684. 685. 686. 687. 688. 689. 690. 691. 692. 693. 694. 695. 696. 697. 698. 699. 700. 701. 702. 703. 704. 705. 706. 707. 708. 709. 710. 711. 712. 713. 714. 715. 716. 717. 718. 719. 720. 721. 722. 723. 724. 725. 726. 727. 728. 729. 730. 731. 732. 733. 734. 735. 736. 737. 738. 739. 740. 741. 742. 743. 744. 745. 746. 747. 748. 749. 750. 751. 752. 753. 754. 755. 756. 757. 758. 759. 760. 761. 762. 763. 764. 765. 766. 767. 768. 769. 770. 771. 772. 773. 774. 775. 776. 777. 778. 779. 780. 781. 782. 783. 784. 785. 786. 787. 788. 789. 790. 791. 792. 793. 794. 795. 796. 797. 798. 799. 800. 801. 802. 803. 804. 805. 806. 807. 808. 809. 810. 811. 812. 813. 814. 815. 816. 817. 818. 819. 820. 821. 822. 823. 824. 825. 826. 827. 828. 829. 830. 831. 832. 833. 834. 835. 836. 837. 838. 839.

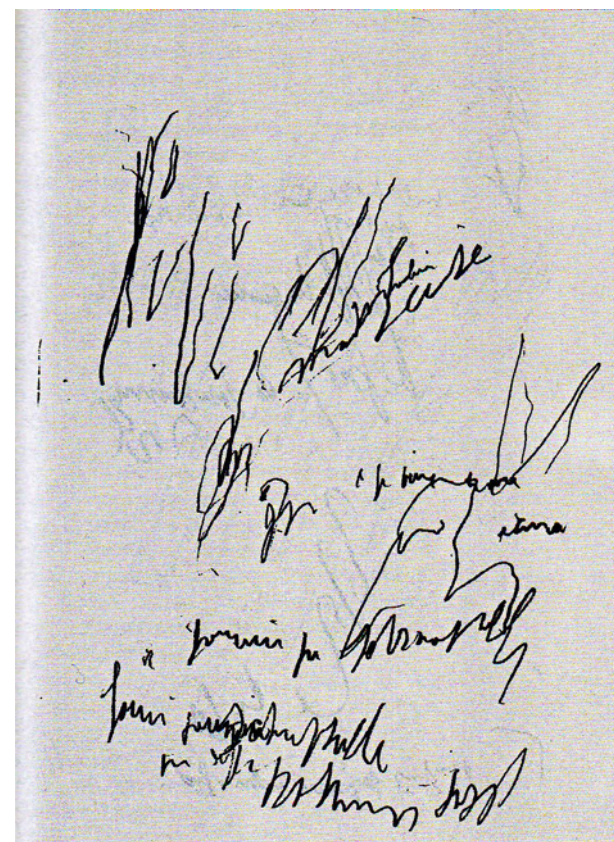
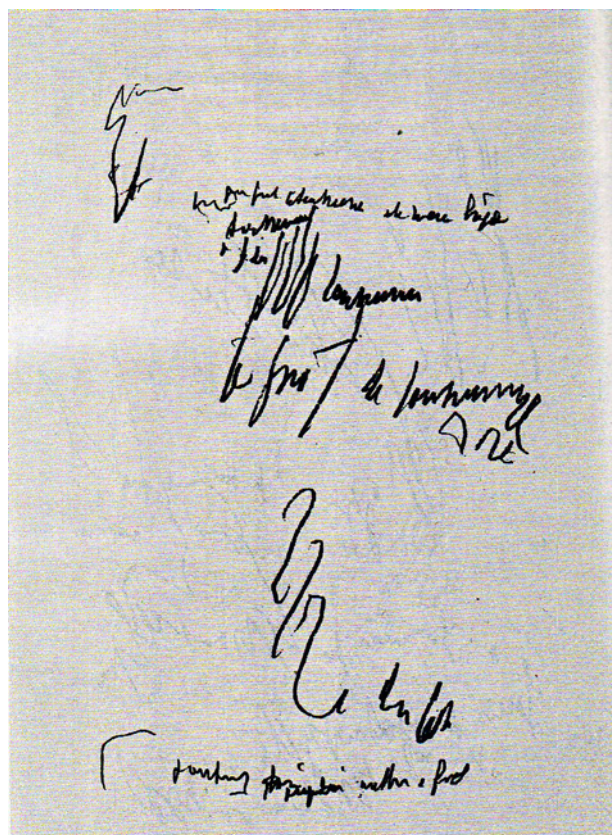
It seems that you do have

Ein der Reflexion

in million of foot

✓ look  
for a person  
in the house

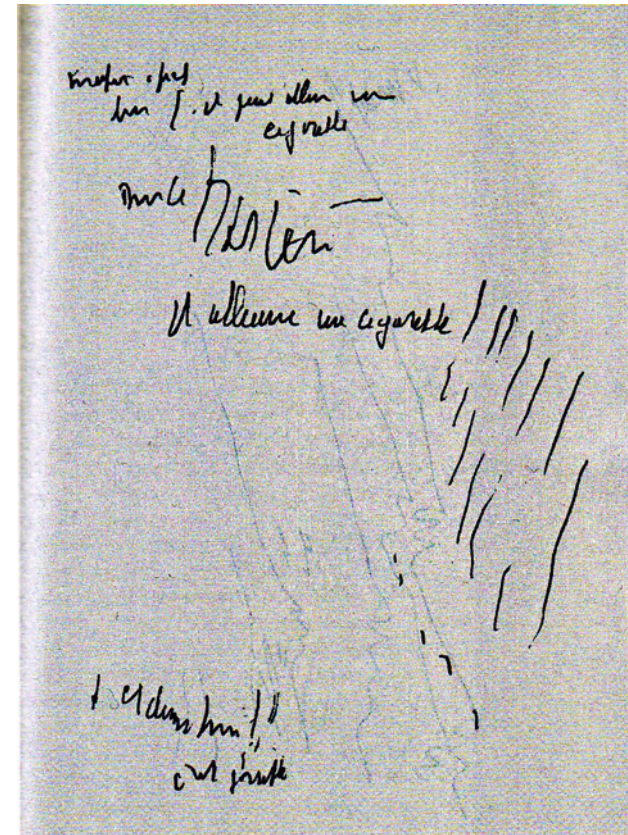
oh ruck



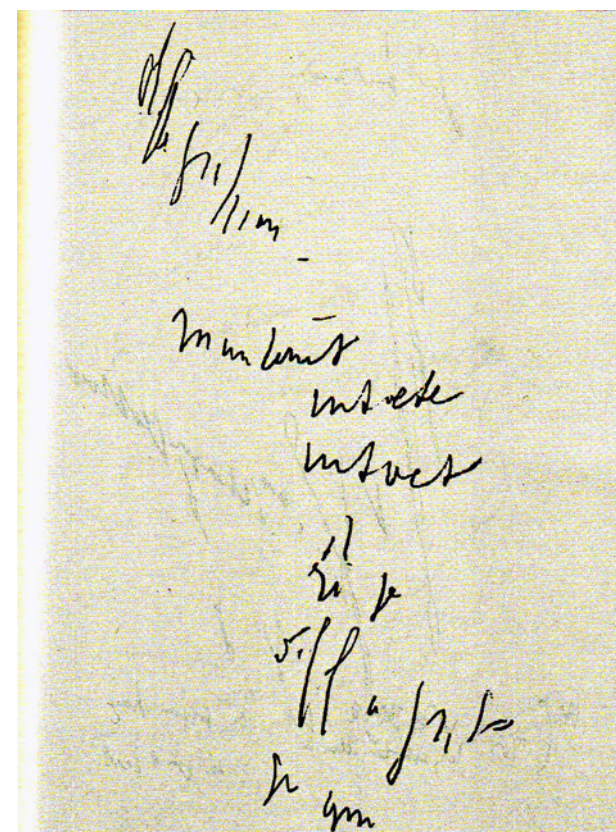
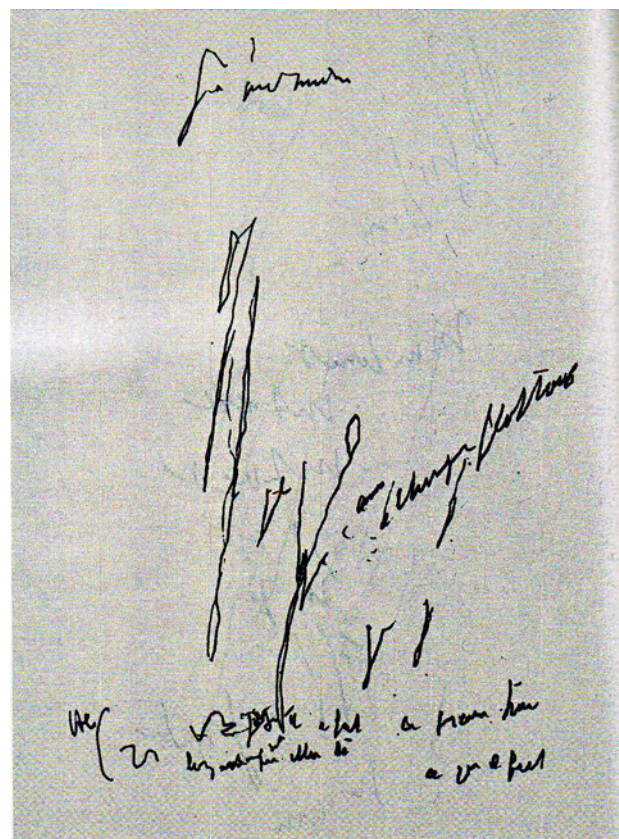


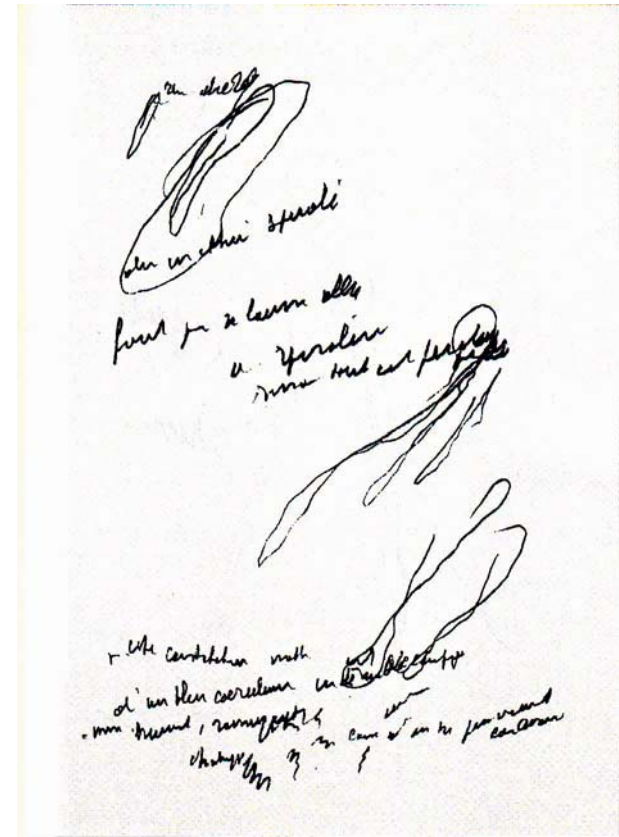
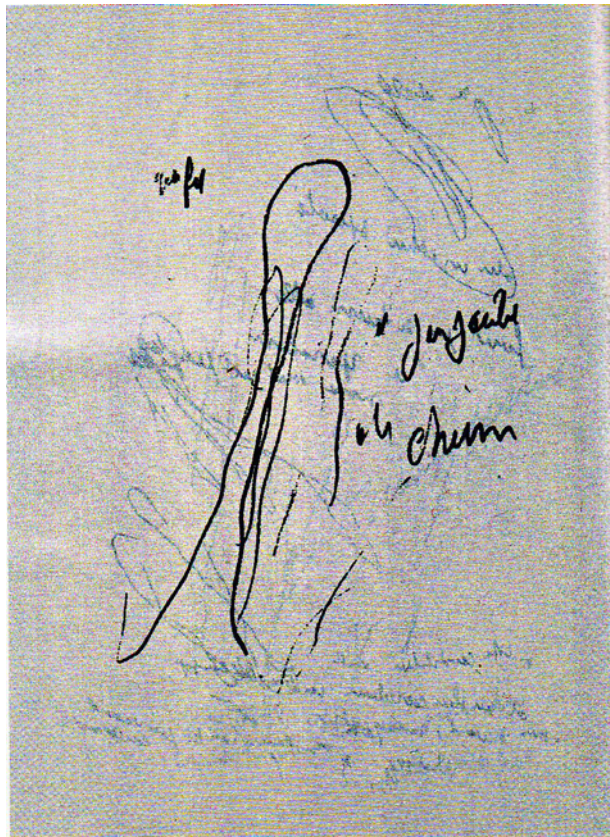
[illegible][illegible]



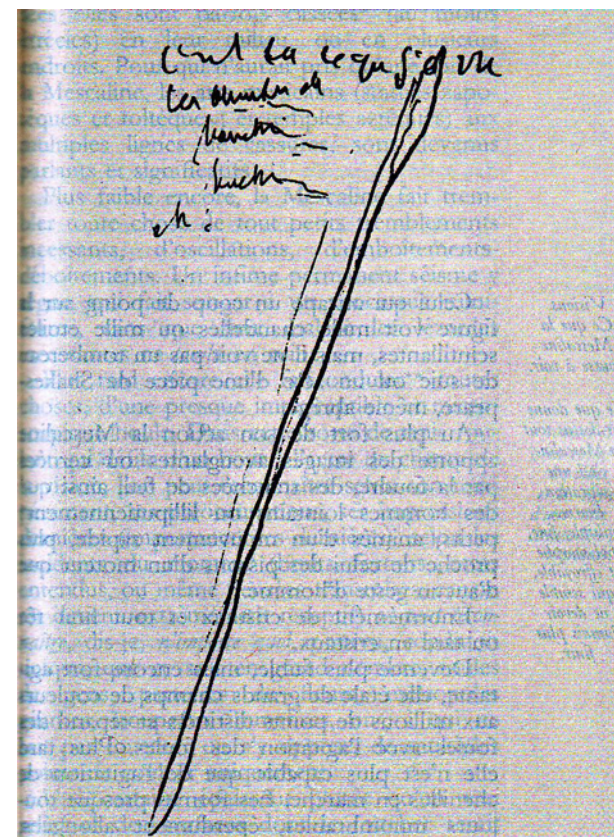
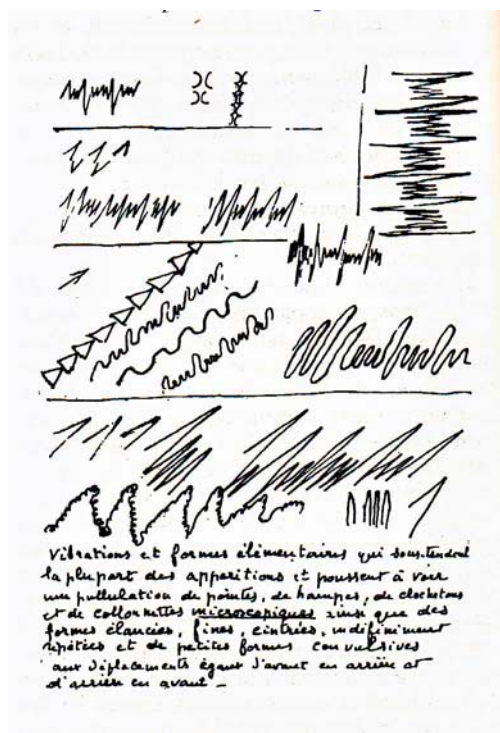


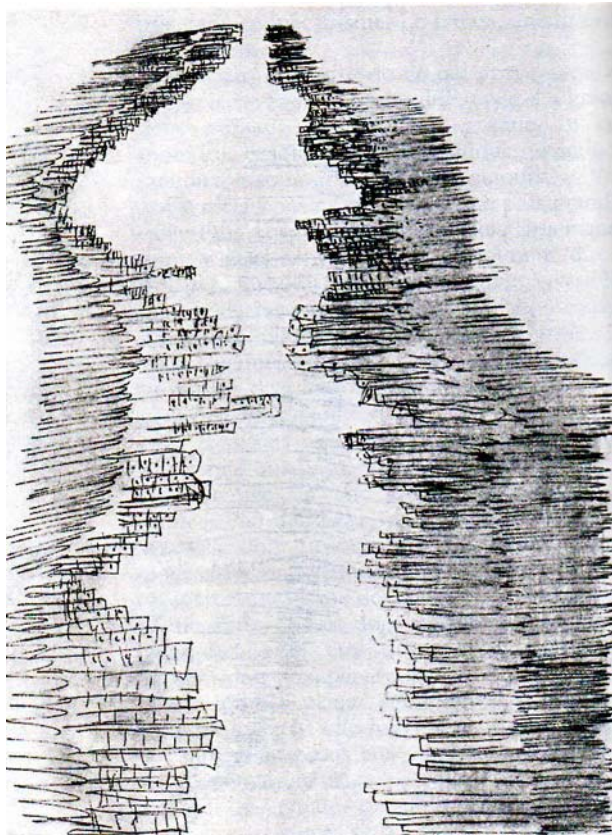




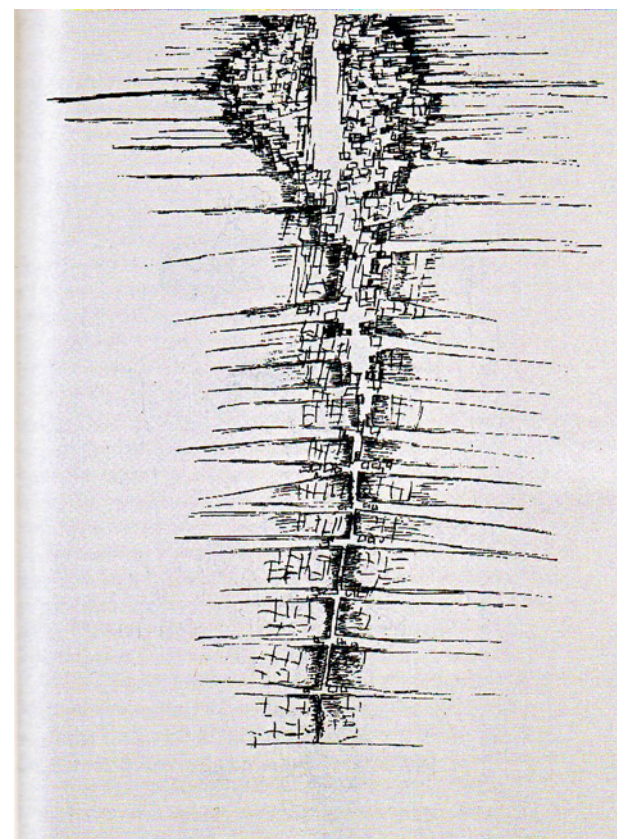
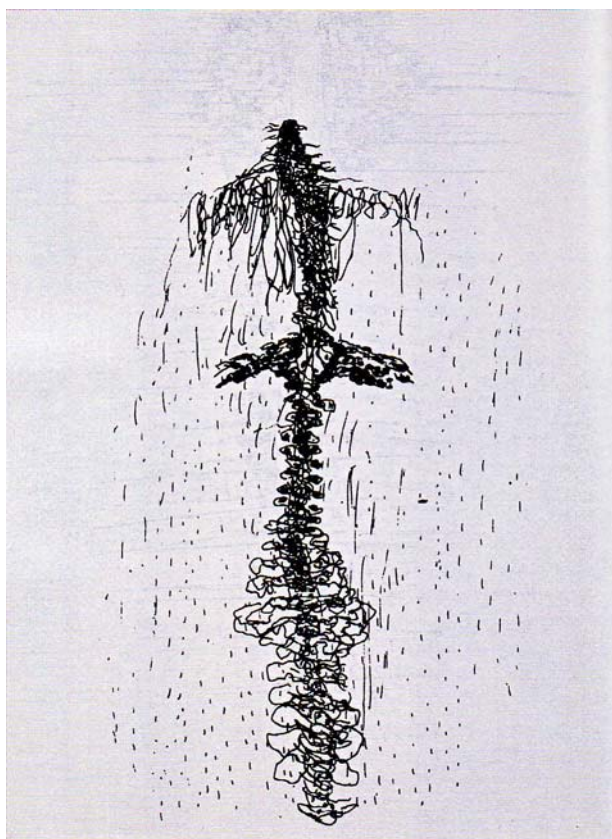


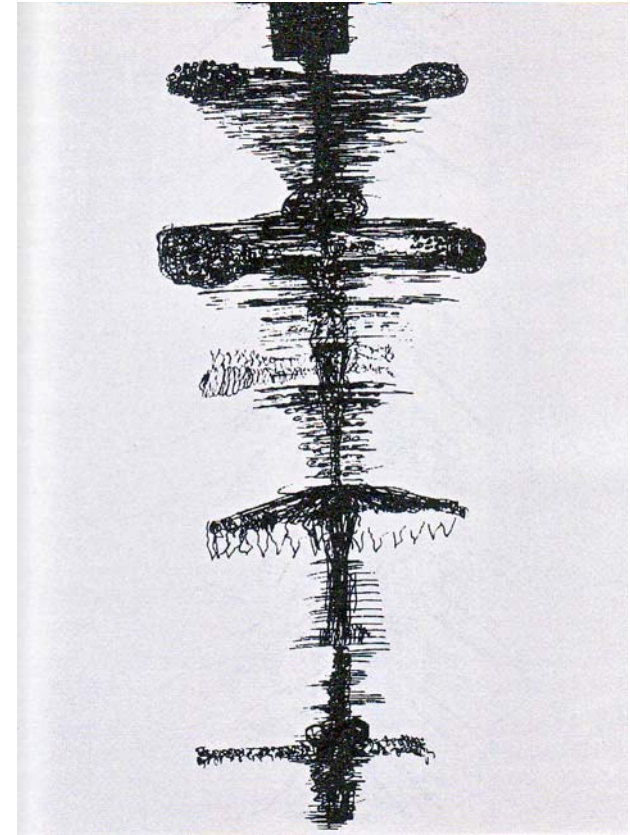
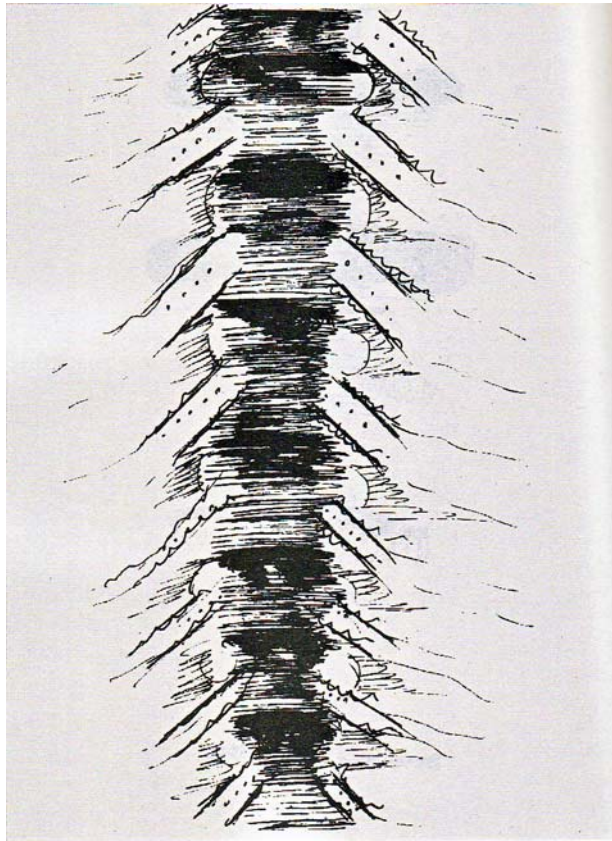




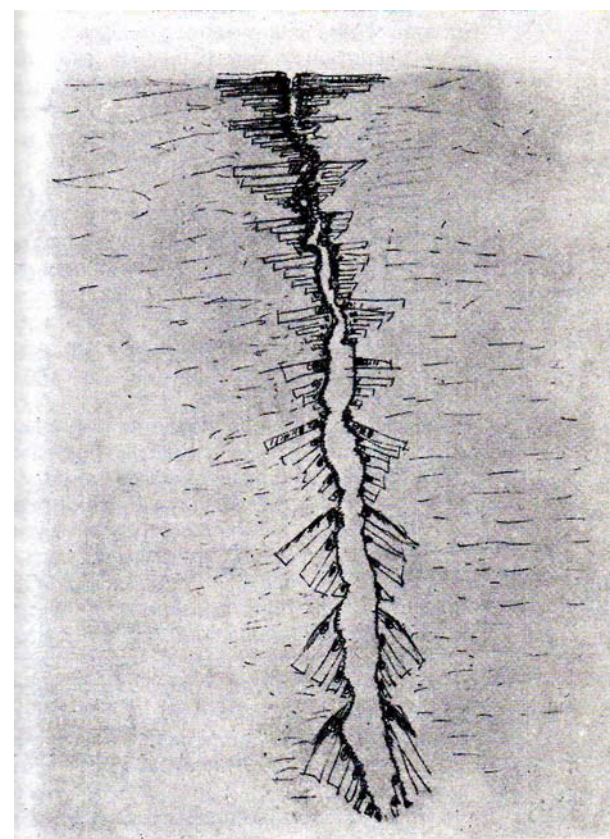












*[Faint handwritten notes, possibly bleed-through from the reverse side of the page.]*

1907 22.10  
 1. in den Augen  
 2. der  
 3. der  
 4. der  
 5. der  
 6. der  
 7. der  
 8. der  
 9. der  
 10. der  
 11. der  
 12. der  
 13. der  
 14. der  
 15. der  
 16. der  
 17. der  
 18. der  
 19. der  
 20. der  
 21. der  
 22. der  
 23. der  
 24. der  
 25. der  
 26. der  
 27. der  
 28. der  
 29. der  
 30. der  
 31. der  
 32. der  
 33. der  
 34. der  
 35. der  
 36. der  
 37. der  
 38. der  
 39. der  
 40. der  
 41. der  
 42. der  
 43. der  
 44. der  
 45. der  
 46. der  
 47. der  
 48. der  
 49. der  
 50. der  
 51. der  
 52. der  
 53. der  
 54. der  
 55. der  
 56. der  
 57. der  
 58. der  
 59. der  
 60. der  
 61. der  
 62. der  
 63. der  
 64. der  
 65. der  
 66. der  
 67. der  
 68. der  
 69. der  
 70. der  
 71. der  
 72. der  
 73. der  
 74. der  
 75. der  
 76. der  
 77. der  
 78. der  
 79. der  
 80. der  
 81. der  
 82. der  
 83. der  
 84. der  
 85. der  
 86. der  
 87. der  
 88. der  
 89. der  
 90. der  
 91. der  
 92. der  
 93. der  
 94. der  
 95. der  
 96. der  
 97. der  
 98. der  
 99. der  
 100. der



[illegible][illegible]

m. est (marchant  
nature :  
Car c'est p. l'usage  
l'élémentaire  
pour la nature  
un de . difficile  
elle des autres :

A Cohen

Chaque fois  
même sans refait :

*[Faint handwritten notes, possibly bleed-through from the reverse side]*



[illegible]

Je suis en train de - comp les bon pour abt  
 femme pour abt de dans les personnes.  
 Je a propos, fin -

Et ne faut pas

Je vous

Je vous en fait  
 une bonne - le plus  
 de la fin

1 Cache - cela les personnes.

Mais, cela fini

C'est une chose

Mais

clove



[illegible][illegible]

1. affluenza di acqua  
 2. acqua  
 3. acqua  
 4. acqua  
 5. acqua  
 6. acqua  
 7. acqua  
 8. acqua  
 9. acqua  
 10. acqua  
 11. acqua  
 12. acqua  
 13. acqua  
 14. acqua  
 15. acqua  
 16. acqua  
 17. acqua  
 18. acqua  
 19. acqua  
 20. acqua  
 21. acqua  
 22. acqua  
 23. acqua  
 24. acqua  
 25. acqua  
 26. acqua  
 27. acqua  
 28. acqua  
 29. acqua  
 30. acqua  
 31. acqua  
 32. acqua  
 33. acqua  
 34. acqua  
 35. acqua  
 36. acqua  
 37. acqua  
 38. acqua  
 39. acqua  
 40. acqua  
 41. acqua  
 42. acqua  
 43. acqua  
 44. acqua  
 45. acqua  
 46. acqua  
 47. acqua  
 48. acqua  
 49. acqua  
 50. acqua  
 51. acqua  
 52. acqua  
 53. acqua  
 54. acqua  
 55. acqua  
 56. acqua  
 57. acqua  
 58. acqua  
 59. acqua  
 60. acqua  
 61. acqua  
 62. acqua  
 63. acqua  
 64. acqua  
 65. acqua  
 66. acqua  
 67. acqua  
 68. acqua  
 69. acqua  
 70. acqua  
 71. acqua  
 72. acqua  
 73. acqua  
 74. acqua  
 75. acqua  
 76. acqua  
 77. acqua  
 78. acqua  
 79. acqua  
 80. acqua  
 81. acqua  
 82. acqua  
 83. acqua  
 84. acqua  
 85. acqua  
 86. acqua  
 87. acqua  
 88. acqua  
 89. acqua  
 90. acqua  
 91. acqua  
 92. acqua  
 93. acqua  
 94. acqua  
 95. acqua  
 96. acqua  
 97. acqua  
 98. acqua  
 99. acqua  
 100. acqua

[illegible]

1. <sup>1</sup> <sup>2</sup> <sup>3</sup> <sup>4</sup> <sup>5</sup> <sup>6</sup> <sup>7</sup> <sup>8</sup> <sup>9</sup> <sup>10</sup> <sup>11</sup> <sup>12</sup> <sup>13</sup> <sup>14</sup> <sup>15</sup> <sup>16</sup> <sup>17</sup> <sup>18</sup> <sup>19</sup> <sup>20</sup> <sup>21</sup> <sup>22</sup> <sup>23</sup> <sup>24</sup> <sup>25</sup> <sup>26</sup> <sup>27</sup> <sup>28</sup> <sup>29</sup> <sup>30</sup> <sup>31</sup> <sup>32</sup> <sup>33</sup> <sup>34</sup> <sup>35</sup> <sup>36</sup> <sup>37</sup> <sup>38</sup> <sup>39</sup> <sup>40</sup> <sup>41</sup> <sup>42</sup> <sup>43</sup> <sup>44</sup> <sup>45</sup> <sup>46</sup> <sup>47</sup> <sup>48</sup> <sup>49</sup> <sup>50</sup> <sup>51</sup> <sup>52</sup> <sup>53</sup> <sup>54</sup> <sup>55</sup> <sup>56</sup> <sup>57</sup> <sup>58</sup> <sup>59</sup> <sup>60</sup> <sup>61</sup> <sup>62</sup> <sup>63</sup> <sup>64</sup> <sup>65</sup> <sup>66</sup> <sup>67</sup> <sup>68</sup> <sup>69</sup> <sup>70</sup> <sup>71</sup> <sup>72</sup> <sup>73</sup> <sup>74</sup> <sup>75</sup> <sup>76</sup> <sup>77</sup> <sup>78</sup> <sup>79</sup> <sup>80</sup> <sup>81</sup> <sup>82</sup> <sup>83</sup> <sup>84</sup> <sup>85</sup> <sup>86</sup> <sup>87</sup> <sup>88</sup> <sup>89</sup> <sup>90</sup> <sup>91</sup> <sup>92</sup> <sup>93</sup> <sup>94</sup> <sup>95</sup> <sup>96</sup> <sup>97</sup> <sup>98</sup> <sup>99</sup> <sup>100</sup> <sup>101</sup> <sup>102</sup> <sup>103</sup> <sup>104</sup> <sup>105</sup> <sup>106</sup> <sup>107</sup> <sup>108</sup> <sup>109</sup> <sup>110</sup> <sup>111</sup> <sup>112</sup> <sup>113</sup> <sup>114</sup> <sup>115</sup> <sup>116</sup> <sup>117</sup> <sup>118</sup> <sup>119</sup> <sup>120</sup> <sup>121</sup> <sup>122</sup> <sup>123</sup> <sup>124</sup> <sup>125</sup> <sup>126</sup> <sup>127</sup> <sup>128</sup> <sup>129</sup> <sup>130</sup> <sup>131</sup> <sup>132</sup> <sup>133</sup> <sup>134</sup> <sup>135</sup> <sup>136</sup> <sup>137</sup> <sup>138</sup> <sup>139</sup> <sup>140</sup> <sup>141</sup> <sup>142</sup> <sup>143</sup> <sup>144</sup> <sup>145</sup> <sup>146</sup> <sup>147</sup> <sup>148</sup> <sup>149</sup> <sup>150</sup> <sup>151</sup> <sup>152</sup> <sup>153</sup> <sup>154</sup> <sup>155</sup> <sup>156</sup> <sup>157</sup> <sup>158</sup> <sup>159</sup> <sup>160</sup> <sup>161</sup> <sup>162</sup> <sup>163</sup> <sup>164</sup> <sup>165</sup> <sup>166</sup> <sup>167</sup> <sup>168</sup> <sup>169</sup> <sup>170</sup> <sup>171</sup> <sup>172</sup> <sup>173</sup> <sup>174</sup> <sup>175</sup> <sup>176</sup> <sup>177</sup> <sup>178</sup> <sup>179</sup> <sup>180</sup> <sup>181</sup> <sup>182</sup> <sup>183</sup> <sup>184</sup> <sup>185</sup> <sup>186</sup> <sup>187</sup> <sup>188</sup> <sup>189</sup> <sup>190</sup> <sup>191</sup> <sup>192</sup> <sup>193</sup> <sup>194</sup> <sup>195</sup> <sup>196</sup> <sup>197</sup> <sup>198</sup> <sup>199</sup> <sup>200</sup> <sup>201</sup> <sup>202</sup> <sup>203</sup> <sup>204</sup> <sup>205</sup> <sup>206</sup> <sup>207</sup> <sup>208</sup> <sup>209</sup> <sup>210</sup> <sup>211</sup> <sup>212</sup> <sup>213</sup> <sup>214</sup> <sup>215</sup> <sup>216</sup> <sup>217</sup> <sup>218</sup> <sup>219</sup> <sup>220</sup> <sup>221</sup> <sup>222</sup> <sup>223</sup> <sup>224</sup> <sup>225</sup> <sup>226</sup> <sup>227</sup> <sup>228</sup> <sup>229</sup> <sup>230</sup> <sup>231</sup> <sup>232</sup> <sup>233</sup> <sup>234</sup> <sup>235</sup> <sup>236</sup> <sup>237</sup> <sup>238</sup> <sup>239</sup> <sup>240</sup> <sup>241</sup> <sup>242</sup> <sup>243</sup> <sup>244</sup> <sup>245</sup> <sup>246</sup> <sup>247</sup> <sup>248</sup> <sup>249</sup> <sup>250</sup> <sup>251</sup> <sup>252</sup> <sup>253</sup> <sup>254</sup> <sup>255</sup> <sup>256</sup> <sup>257</sup> <sup>258</sup> <sup>259</sup> <sup>260</sup> <sup>261</sup> <sup>262</sup> <sup>263</sup> <sup>264</sup> <sup>265</sup> <sup>266</sup> <sup>267</sup> <sup>268</sup> <sup>269</sup> <sup>270</sup> <sup>271</sup> <sup>272</sup> <sup>273</sup> <sup>274</sup> <sup>275</sup> <sup>276</sup> <sup>277</sup> <sup>278</sup> <sup>279</sup> <sup>280</sup> <sup>281</sup> <sup>282</sup> <sup>283</sup> <sup>284</sup> <sup>285</sup> <sup>286</sup> <sup>287</sup> <sup>288</sup> <sup>289</sup> <sup>290</sup> <sup>291</sup> <sup>292</sup> <sup>293</sup> <sup>294</sup> <sup>295</sup> <sup>296</sup> <sup>297</sup> <sup>298</sup> <sup>299</sup> <sup>300</sup> <sup>301</sup> <sup>302</sup> <sup>303</sup> <sup>304</sup> <sup>305</sup> <sup>306</sup> <sup>307</sup> <sup>308</sup> <sup>309</sup> <sup>310</sup> <sup>311</sup> <sup>312</sup> <sup>313</sup> <sup>314</sup> <sup>315</sup> <sup>316</sup> <sup>317</sup> <sup>318</sup> <sup>319</sup> <sup>320</sup> <sup>321</sup> <sup>322</sup> <sup>323</sup> <sup>324</sup> <sup>325</sup> <sup>326</sup> <sup>327</sup> <sup>328</sup> <sup>329</sup> <sup>330</sup> <sup>331</sup> <sup>332</sup> <sup>333</sup> <sup>334</sup> <sup>335</sup> <sup>336</sup> <sup>337</sup> <sup>338</sup> <sup>339</sup> <sup>340</sup> <sup>341</sup> <sup>342</sup> <sup>343</sup> <sup>344</sup> <sup>345</sup> <sup>346</sup> <sup>347</sup> <sup>348</sup> <sup>349</sup> <sup>350</sup> <sup>351</sup> <sup>352</sup> <sup>353</sup> <sup>354</sup> <sup>355</sup> <sup>356</sup> <sup>357</sup> <sup>358</sup> <sup>359</sup> <sup>360</sup> <sup>361</sup> <sup>362</sup> <sup>363</sup> <sup>364</sup> <sup>365</sup> <sup>366</sup> <sup>367</sup> <sup>368</sup> <sup>369</sup> <sup>370</sup> <sup>371</sup> <sup>372</sup> <sup>373</sup> <sup>374</sup> <sup>375</sup> <sup>376</sup> <sup>377</sup> <sup>378</sup> <sup>379</sup> <sup>380</sup> <sup>381</sup> <sup>382</sup> <sup>383</sup> <sup>384</sup> <sup>385</sup> <sup>386</sup> <sup>387</sup> <sup>388</sup> <sup>389</sup> <sup>390</sup> <sup>391</sup> <sup>392</sup> <sup>393</sup> <sup>394</sup> <sup>395</sup> <sup>396</sup> <sup>397</sup> <sup>398</sup> <sup>399</sup> <sup>400</sup> <sup>401</sup> <sup>402</sup> <sup>403</sup> <sup>404</sup> <sup>405</sup> <sup>406</sup> <sup>407</sup> <sup>408</sup> <sup>409</sup> <sup>410</sup> <sup>411</sup> <sup>412</sup> <sup>413</sup> <sup>414</sup> <sup>415</sup> <sup>416</sup> <sup>417</sup> <sup>418</sup> <sup>419</sup> <sup>420</sup> <sup>421</sup> <sup>422</sup> <sup>423</sup> <sup>424</sup> <sup>425</sup> <sup>426</sup> <sup>427</sup> <sup>428</sup> <sup>429</sup> <sup>430</sup> <sup>431</sup> <sup>432</sup> <sup>433</sup> <sup>434</sup> <sup>435</sup> <sup>436</sup> <sup>437</sup> <sup>438</sup> <sup>439</sup> <sup>440</sup> <sup>441</sup> <sup>442</sup> <sup>443</sup> <sup>444</sup> <sup>445</sup> <sup>446</sup> <sup>447</sup> <sup>448</sup> <sup>449</sup> <sup>450</sup> <sup>451</sup> <sup>452</sup> <sup>453</sup> <sup>454</sup> <sup>455</sup> <sup>456</sup> <sup>457</sup> <sup>458</sup> <sup>459</sup> <sup>460</sup> <sup>461</sup> <sup>462</sup> <sup>463</sup> <sup>464</sup> <sup>465</sup> <sup>466</sup>

6  
0 0 0  
7  
0

Don't even  
Carla  
Integrate them

16  
11/11/11

2 2 2



2

en ce moment  
l'usage du papier  
est interdit  
dans les  
établissements  
publics  
et les  
établissements  
d'enseignement  
supérieur  
et les  
établissements  
de formation  
professionnelle  
et les  
établissements  
de formation  
technique  
et les  
établissements  
de formation  
technique  
et les  
établissements  
de formation  
technique





## پس گفتار

این کتاب به ترتیبِ نظمِ زمانیست. آنچه یاد می‌گیرم، به ترتیبِ یادش می‌گیرم، همچو یک مقدّماتی. خواننده نیز چنین خواهد کرد. با این‌همه بدونِ یک تلفیقِ جزئیِ اوّلیه، احتمالاً خواننده نمی‌توانست بداند وارد چه می‌شود. ازین‌رو پیش‌گفتار.

تجربه‌ی شاه‌دانه پس از آن صورت می‌گیرد، و سپس‌تر چهارمین تجربه‌ی مسکالین که تعیین‌کننده خواهد بود. از آنجا که برای من غافل‌گیرکننده بود، باید برای کسی که من را می‌خواند نیز چنین باشد. به این سبب، پیش‌گفتار با آنچه همگان در بخشِ پایانی خواهند شناخت، تکمیل نشده است.

در ضمن نمی‌خواهم به یک روان‌گسیختگی یا به روان‌پریشیِ تجربیِ دیگری از نوعِ کاملش مباحثات کنم. می‌دانم که چطور می‌شود کاملش کرد.

تجربه‌ی شایانِ توجّهی که دکتر مُرسلی (روزنامه‌ی خاطراتِ روان‌شناسی به‌هنگز و بیمارِ گُنه، ۱۹۳۶) روی خود انجام داد، که در جریانِ آن، پس از مصرفِ ۰٫۷۵ g مسکالین، چنان زیرِ هجومِ رانش‌های مخربِ شدید قرار می‌گیرد که ناگزیر به کلینیکِ خود پناه می‌برد، و مشاهداتی چند<sup>۹</sup> بر بیمارها یا دانشجویها نشان می‌دهند که دیوانگیِ مسکالینی خود را جا نمی‌اندازد. بیمارانِ رو به بهبودی، پس از یک

وقفه‌ی کوتاه ناشی از ضربه، بهبودِ کامل می‌یابند. چه‌بسا چنین نخواهد بود برای کسی که درست پس از مصرفِ مسکالین، یا پیش از آن، دچارِ آزمونِ روانیِ شخصیِ سنگینی بشود.

یک کلمه‌ی دیگر. دوست‌دارانِ یک‌سویه‌نگری ممکن است وسوسه شوند که ازین پس مجموعه‌ی نوشته‌های من را همچو آثاری از یک معتادِ داوری کنند. متأسّف ام. من از نوعِ نوشندگانِ آبِ ام بیشتر. الکل هرگز. ماده‌ی محرّک هرگز، و از سال‌ها پیش هرگز قهوه، هرگز سیگار، هرگز چای. دیر به دیر شراب، و کم. از همیشه، و از همه‌ی چیزهایی که صرف می‌کنند، کم. صرف و پرهیز. به‌ویژه پرهیز. مخدّر من خستگیست، اگر کسی می‌خواهد بداند.

داشتِ یادَم می‌رفت. بیست و پنج سال پیش، یا بیشتر، باید هفت هشت باری هم اِتر مصرف کرده باشم، یک بار لُدانوم<sup>۱۰</sup> و دو بار الکلِ مزخرف.

## یادداشت‌ها

[م.م.] از هانری میشو، و [م.م.] از مترجم است.

- ۱ - «مبارزه ضد فضا»، Combat contre l'espace، نوشته‌ی سال ۱۹۴۵ (شش سال پیش از «حرکت‌ها»)، پس از چاپ نخست در یک جنگ، در کتاب گذرها آمده است. من آن را از جلد دوم مجموعه‌ی آثار هانری میشو، صفحه‌های ۳۱۲-۳۱۰ ترجمه کرده‌ام.
- ۲ - دروسوفیلیای [Drosophil] ساخته‌ی میشو است (نک. مجموعه‌ی آثار، ج. ۲، ص. ۱۱۷۵، توضیح ۱) از drosophile، نام علمی «مگس سرکه»، و drosophyllum، گیاه حشره‌خوار که با ماده‌ی چسب‌ناکی که ترشح می‌کند، حشره‌ها را می‌بلعد.
- ۳ - پُل کله Paul Klee.
- ۴ - رُنه برتوله René Bertelé (۱۹۰۸-۱۹۷۳) ناشر و دوست هانری میشو که کتابی هم با عنوان هَلِی می‌نوشت نوشته است. دوستی آنها به‌ویژه پس از مرگ ماری لوییس، همسر میشو، بسیار نزدیک بود.

- ۵ - کراکاتوا Krakatoa اسمی است که در اندونزی و جاوه به یک آتش‌فشان واقع در اقیانوس هند داده می‌شود. آخرین فوران آن، انفجاری بسیار شدید، بنا بر ویکی‌پدیای فرانسوی، در ۲۷ اوت ۱۸۸۳ روی داده است. جزیره‌ای که کراکاتوا در آن واقع است، میراث جهانی یونسکو است. [م.م.]
- ۶ - در باره‌ی آرایش صفحه‌های معجزه‌ی مغفوک: نسخه‌ی کامل این کتاب [Henri Michaux, Misérable miracle, la mescaline, Gallimard, ۱۹۷۲] در بر گیرنده‌ی این فصل‌هاست: ۱- پیش‌گفتار، ۲- با مسکالین، ۳- مشخصه‌های مسکالین، ۴- شاه‌دانه‌ی هندی، ۵- تجربه‌ی دیوانگی، - چند توضیح، - پس‌گفتار؛ افزوده‌ها (۱۹۶۸-۱۹۷۱): ۱، ۲- تپه‌ی وصف‌ناپذیر، ۳- ۴، ۵؛ و در میان این صفحه‌ها، چهل و نه طرح و دست‌نوشته از هانری میشو. فصل‌های ۲- با مسکالین، ۳- مشخصه‌های مسکالین، ۴- شاه‌دانه‌ی هندی، ۵- تجربه‌ی دیوانگی، بر حاشیه‌های چپ

صفحه‌های زوج، و نیز بر حاشیه‌های راست صفحه‌های فرد، یادداشت‌هایی دارند که توضیح‌هایی اند، هم‌چنان شاعرانه اما گاهی علمی، بیشتر بر تغییر فضاها در متن کنار خود یا متن اصلی کتاب. این حاشیه‌ها با حروفی ریزتر از متن، همه میان‌چین، و ایتالیک اند. به عنوان نمونه، در آغاز فصل ۲- با مسکالین، در حاشیه‌ی راست (ص. ۱۹) به عنوان نخستین حاشیه آمده است: «در یک اتاق تاریک بعد از خوردن ۳/۴ یک آمپول g ۰.۱ مسکالین». در همین حاشیه‌هاست، در نخستین حاشیه‌ی ۵- تجربه‌ی دیوانگی (ص. ۱۱۷) که افزوده بر متن، میشو خواننده را آگاه می‌کند که یک بار اشتباهاً شش برابر مقدار پیش‌بینی‌شده را خورده است: «مسکالین، بلا هم، شش ماه بعد، شش آمپول می‌خورم، یعنی g ۰.۶. معجزه‌ی مغفوک می‌شود معجزه‌ی مهیب.» افزوده بر متن و حاشیه‌های آن، و البته طرح‌ها و دست‌نوشته‌ها هم، میشو پانویس‌هایی در کتاب خود آورده که در واقع یک «صدا»ی دیگر به کتاب می‌افزاید. این‌چنین، معجزه‌ی مغفوک، مسکالین کتابی «چندصدایی»ست. در فضایی اندرون تنها گزیده‌هایی از متن اصلی آورده شده است و حاشیه‌ها (به‌جز یکی دو تا که وارد متن شده اند)، و پانویس‌ها (به‌جز یکی)، همه حذف شده اند. [م.م.]

- ۷ - پیوئل peyotl نوعی کاکتوس بدون خار از منطقه‌ای کوهستانی در مکزیک است که مسکالین را از آن می‌گیرند. [م.م.]
- ۸ - حرکت براونی mouvement brownien یا فرایند وینر processus de Wiener توصیف ریاضی حرکت تصادفی ذره‌ای بزرگ است در یک محلول که فقط از برخوردش با مولکول‌های کوچک مایع اطراف آن حرکت بسیار نامنظمی از ذرات ایجاد می‌شود. [م.م.]
- ۹ - هم‌چنین تجربه‌های دکتر دُله و دکتر ژرار، و تجربه‌های دکتر ویلهلم دو کُلمار، در رساله‌ی او در باره‌ی تأثیرهای مسکالین بر بیمارهای روانی. [ه.م.]
- ۱۰ - لُدانوم laudanum محلول الکلی تریاک یا شربت تریاک. [م.م.]



HENRI MICHAUX

# Annexes de L'Espace du dedans



Traduit en persan par  
Mahmood Massoodi

*Éditions siodo harf*



Éditions Siodo harf

Henri Michaux  
*Annexes de L'Espace du dedans :*  
Combat contre l'espace  
Lithographies de « Meidosems »  
Dessins et postface de « Mouvements »  
Avant-propos, dessins, manuscrits et postface de « Misérable miracle »

Traduit en persan par  
Mahmood Massoodi



Janvier 2018

<http://mahmoodmassoodi.wordpress.com>

© Tous droits réservés.